

نبرد خلق

اقدامهای تروریستی رژیم در
پاکستان و عراق را محکوم
می کنیم.

کارگران همه کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

NABARD - E - KHALGH No 138 . 21 Nov 1996

شماره ۱۳۸ دوره چهارم سال سیزدهم - اول آذر ۱۳۷۵

دانمارک از دیالوگ انتقادی فاصله می گیرد

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران
تصویب یک قطعنامه از سوی پارلمان دانمارک مبنی
بر اتخاذ یک سیاست قاطع در قبال رژیم ملایان را
یک اقدام شجاعانه و تحسین برانگیز توصیف نمود و
آن را مبین همبستگی مردم دانمارک با مردم و
مقاومت ایران دانست. وی ابراز امیدواری کرد که
سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز از چنین
سیاستی پیروی کنند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در پاریس روز
۱۵ نوامبر طی اطلاعیه ای اعلام کرد که:

در جریان اجلاس روز ۱۴ نوامبر پارلمان دانمارک
نمایندگان این کشور قطعنامه ای را به تصویب
رساندند که خواستار شدت عمل در مقابل دیکتاتوری
مذهبی و تروریستی ملایان و برقراری دیالوگ با
اپوزیسیون که برای برقراری دموکراسی و حقوق بشر
در ایران تلاش می کند. شدند. این قطعنامه را حزب
سوسیال دموکرات دانمارک از سوی احزاب ائتلاف
حاکم به پارلمان ارائه داد. در جریان این اجلاس به
دعوت نمایندگان پارلمان هیئتی از سوی شورای ملی
مقاومت در جایگاه ویژه میهمانان حضور داشت.
آقای رجوی تاکید کرد که رأی یکپارچه نمایندگان
دانمارک علیه رژیم خمینی مبین بطلان هر گونه
سیاست ممانعت گرایانه از قبیل "دیالوگ انتقادی" با
این رژیم است. وی افزود اینگونه سیاستها تنها
ملایان را در افزایش سرکوب و صدور تروریسم
جری تر کرده است.

موج سرکوب و ارباب هنرمندان و نویسندگان

فرج سرکوهی سردبیر مجله آدینه ربوده شد

یادداشت سیاسی ماه

حرفهای شجاعانه و قابل ستایش آقای
برونویوست دادستان فدرال آلمان در دادگاه برلین،
یک بار دیگر سیمای تروریستی همدچون علی
خامنه ای را برای جهانیان به نمایش گذاشت.
حقایقی که دادستان دادگاه طی روزهای ۱۲، ۱۴ و
۱۵ نوامبر در دادگاه بیان نمود. قبلا بارها از طرف
نیروهای اپوزیسیون رژیم ابراز شده بود. اما این بار
این واقعیتها از زبان یک مقام قضایی کشور آلمان که
پرونده ترور دکتر صادق شرفکندی و سه نفر همراه او
را مورد بررسی قرار می دهند، ابراز می شود. رژیم
ولایت فقیه تاکنون با ابراز ترور و انفجار از یک
طرف و معاملات تجاری از طرف دیگر، توانسته بود
از بیان حقایق به وسیله دولتمردان کشورهای اروپایی
جلوگیری کند. ادعای دادستان آلمان، چنان
صریح، قاطع و مستدل اعلام شد که گردانندگان رژیم
ایران و به ویژه شخص علی خامنه ای را در مقابل
انتخابی دشوار و شرایطی سخت قرار داده است.
حرکتهای فلاترگونه عناصر وزارت اطلاعات و
جماجماران خامنه ای در اطراف سفارت آلمان از
جمله واکنشهای زیوانانه بی است که رژیم برای فشار
به دولت آلمان انتخاب کرده است.

دارودسته خامنه ای - رفسنجانی از زبان اراذل
و اوباش خود، آلمان را تهدید می کنند که "پرونده
فروتس سلاح شیمیایی به عراق" را به جریان خواهند
انداخت.

بقیه در صفحه ۲

نازهای وحشی

شعری برای زن

صفحه ۶

دیدگاهها

- در باره مقاله کمبودها
- طرح "شونینیم زنان" دیدگاهی راست در
جنبش زنان
- چرا سوسیالیسم
- کمبودی ملموس
- تکرار درد

در صفحه های ۱۱، ۱۲ و ۱۳

جنبش پیشتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم

- تا وقتی که بربریت چه در اشکال کهنه و چه در
اشکال جدیدش در جهان وجود دارد. تا وقتی که
استثمار چه در شکلهای ابتدایی و چه در شکلهای
پیچیده اش در دنیای مدرن کنونی رایج است و تا
وقتی که سرکوب، تبعیض و ستم هست. مبارزه
برای عدالت. برای آزادی و سوسیالیسم ادامه دارد.

در صفحه ۷

زنان

- تبعیض جنسی در آمریکا
- زنان قربانیان جنسی
- زنان. بنیادگرایی و راه حلها
- سازماندهی زنان چپ فمینیست

در صفحه ۵

پناهندگان

- ایران ناامن تر از آنست که دنهاخ ادعا می کند.
- اعتراض به رایستها در هلند
- خودکشی یک پناهجو در سوئد
- حمله پلیس به پناهندگان در ترکیه

در صفحه ۱۶

سخنان رفیق مارسل هج در جلسه ونکوور

در صفحه ۱۰

کنفرانس ملی حزب کارگران جهان

در صفحه ۱۵

متن قطعنامه پارلمان دانمارک

پارلمان خاطر نشان می کند که حکومت ایران سرکوب
مخالفان سیاسی و اقلیتهای مذهبی را هم چنان ادامه
می دهد. و به دموکراسی، حقوق بشر و آزادی بیان
احترام نمی گذارد.

بر همین اساس پارلمان از دولت می خواهد که
- یک بار دیگر نزد رهبران ایران برای رعایت حقوق
مردم و تداوم نتایج آن پافشاری کند.
- بر ادامه یک سیاست فعال در صحنه بین المللی در
جهت رعایت حقوق بشر و پیشبرد دموکراسی توسط
دولت ایران اصرار ورزد.
- به حقوق بشر در مقابل منافع حاصل از صادرات
اولویت بدهد.

- با جریانهای ایرانی که برای رعایت حقوق بشر و
استقرار دموکراسی در ایران فعالیت می کنند. گفتگو
کند.

یادداشت سیاسی ماه

بقیه از صفحه ۱

آنها باز هم مسئله خسارت بابت "پروژه اتمی بوشهر" را مطرح می کنند و بالاخره می گویند که همان بلایی که بر سر کارکنان سفارت آمریکا آوردند، بر سر کارکنان سفارت آلمان خواند آورد و یک "لانه جاسوسی" دیگر روی دست جهانیان خواهند گذاشت. اما واقعیت این است که این حرکت‌های زبانونه و این تهدیدهای مسخره، نتوانسته دستگاه قضایی آلمان را تحت تاثیر قرار دهد. خواست رژیم ایران از دولت آلمان آن است که دادستان آلمان را به "تدامت" وادارد و یا دولت آلمان از شخص "خامنه ای" عذرخواهی کند. این خواست مسخره البته پوششی برای یک خواست جدی تر است. رژیم می خواهد قضات دادگاه را وادار به اعلام میرا بودن رژیم ایران در ترور دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران و همراهان او کند. بسیار بعید است که حتی تحت فشار دولت آلمان، دادگاه برلین تن به این عقب نشینی دهد و آن چه به احتمال قوی می توان پیش بینی کرد این است که رأی قضات دادگاه در جهت تائید ادعای دادستان خواهد بود.

گردانندگان ولایت خامنه ای با پیش بینی چنین امری، سلاحهای پوسیده و تروریستی خود را صیقل می دهند و به عربده کشی در اطراف سفارت آلمان در تهران مبادرت می ورزند. اما در این میان نکته بسیار مهمی وجود دارد که باید مد نظر داشت. شرایط امروز ایران با شرایطی که خمینی توی دهان هر بنی بشری می زد بسیار فرق کرده است و مهمتر از همه خامنه ای ضعیف تر از آنست که با توجه به همه نیازمندیهایش به دولت آلمان، موضع رادیکالی اتخاذ کند. ژستهای آشتی جویانه روزنامه های انگلیسی زبان وزارت خارجه رژیم جدی تر از نمره های چماقداران وزارت اطلاعات است. تا آن جا که به خامنه ای و دیگر همکاران او بر می گردد، به نظر می رسد که آنها علیرغم تمام جاروجنجالهایی که این روزها به آن مشغولند، جرأت و اراده قطع رابطه با آلمان را ندارند. طبعاً همه چیز به اراده گردانندگان رژیم حاکم بر ایران برنمی گردد. عوامل دیگری، منجمله خواست افکار عمومی و فعالیت نیروهای اپوزیسیون دولت آلمان، افشاکرهای رسانه های گروهی در آلمان و نیز فعالیت نیروهای مخالف رژیم ایران، می تواند شرایط را باز هم برای رژیم بدتر کند. خواست مردم ایران و نیروهای ترقیخواه ایران آن است که دادگاه تحت تاثیر فشارهای سیاسی قرار نگرفته و واقعیتهایی که از زبان دادستان دادگاه برلین بیان شد در حکم نهایی دادگاه منعکس شود.

* * * *

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا در روز ۵ نوامبر ۹۶ و انتخاب مجدد بیل کلینتون به ریاست جمهوری، موارد متعددی را مورد بحث و بازبینی محافل سیاسی آمریکا قرار داد و یک بار دیگر موضوع برخورد با رژیم آخوندها را به بحث محافل سیاسی و رسانه های گروهی تبدیل کرد. محافل سیاسی معینی که در هیئت حاکمه آمریکا، معروف به محافل سیاسی طرفدار انحصارات نفتی هستند، تلاش بسیار کرده و می کنند تا بیل کلینتون را به سیاست ممانعت با رژیم حاکم بر ایران بکشانند.

حرف این گروههای پر نفوذ در هیئت حاکمه آمریکا بسیار روشن است. آنها نمی خواهند از بازار نفت ایران محروم شوند. آخوندهای حاکم بر ایران نیز که از مطامع و منافع این دسته از انحصارات به خوبی با خبرند، تا آن جا که توانسته اند به این جریان چراغ سبز نشان داده و در مورد آنان ولخرجی از خود نشان داده اند. از طرف دیگر برای کمپانیها و انحصارات تسلیحاتی نیز وجود و بقای یک رژیم بحران زا و تروریست پرور در ایران، "ممد حیات" است. پترو دلارهایی که بخش مهمی از آن در اختیار حاکمان کشورهای همجوار ایران قرار دارد، باید مثل گذشته صرف ادامه حیات صنایع تسلیحاتی شود و مسلماً وجود یک حکومت دموکراتیک و مردمی در ایران که سیاست همزیستی مسالمت آمیز با همسایگانش را پیش بسیرد، برای این دسته از انحصارات مطلوب نیست.

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، توماس فریدمن گزارشگر نیویورک تایمز مسافرتی به ایران نمود و طی اقامت خود از تهران مقالاتی برای این نشریه ارسال نمود. فریدمن با زیرکی خاص یک روزنامه نگار حرفه ای، نظر و خواست محافل نامبرده که طبعاً با نظر و خواست مردم ایران بسیار متفاوت است را این گونه می نویسد: "این خبر بد را باید به سردمداران آمریکا رساند که انقلاب اسلامی ایران از اقتدار کامل برخوردار است و برای مذتهای مدید زینت بخش این منطقه خواهد بود و تحت فشار تحریم یا توسط یک گلوله و یا مثل میوه ای که به علت رسیدن از درخت بیفتد، از بین نخواهد رفت. اما خبر خوب هم برای آمریکا این است که با توجه به تغییر و تحولات اخیر فرهنگی در سطح کشور، می توان این مهم را باور کرد که این رژیم ساختار ثابت و غیر قابل تغییری ندارد و بنابراین تغییر ماهیت و رفتار آن امکان پذیر است." استدلالها و حرفهای کهنه شده یی از این نوع چه در آستانه انتخابات آمریکا و چه پس از انتخاب مجدد بیل کلینتون در مطبوعات و رسانه های آمریکا، اروپا و بعضی مطبوعات عربی، انتشار یافت. ولایتی نیز در مقابل این تلاشها، اعلام کرد که هر پیام و پیغام دولت آمریکا را که از طریق سفارت سوئیس دریافت کند، از طریق سفارت پاکستان پاسخ خواهد داد. اکنون آن دسته از گروهها و محافل آمریکایی که بر "مهار" سیاست تروریستی رژیم حاکم بر ایران تاکید کرده و می کنند، در مقابل راهی دشوار قرار گرفته اند. عدم استقبال ژاپن و کشورهای اروپایی از سیاست تحریم و موقعیت متزلزل صلح بین فلسطین و اسرائیل و... سیاست "مهار" را که ضمناً از جانب طرفداران آن هیچگاه با قطعیت دنبال نشده را به چالش کشیده است. عقب نشینی در مقابل رژیم ایران با وجود این که برای کمپانیهای نفتی و تسلیحاتی بازار گرمی به وجود می آورد، اما دود آتشی که اقدامهای ماجراجویانه، تروریستی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی به پا می کند، تنها به چشم مردم ایران فرو نخواهد رفت. کسانی که در مقابل تروریسم دولتی سر فرود می آورند، تروریستها را تا خانه خودشان هدایت می کنند. این حقیقتی است که سیاستمداران جهان، به ویژه آنان که درصد کنترل "زیاده خواهیهای" کمپانیهای نفتی و تسلیحاتی هستند، باید به آن واقف باشند. □

کانادا - ونکوور - تورنتو

گزارش جلسه سخنرانی رفیق مهدی سامع

روز یکشنبه بیستم ماه اکتبر، جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ در ونکوور کانادا و با شرکت بیش از ۱۵۰ تن برگزار شد.

در ابتدای جلسه، رفیق رضا الموتی، هفتاد و نهمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر در روسیه را به حضار تبریک گفت و سپس اطلاعیه مشترک فعالین سچفخا در ونکوور، صدای ارس، کمیته دفاع از پناهنده مبارز، سازمان سوسیالیست آزاد و زنان رادیکال به این مناسبت را قرائت نمود. سپس سرود انترناسیونال پخش گردید و در ادامه رفیق مارسل هم مسئول سازمان سوسیالیست آزاد، پیام سازمان FSP و زنان رادیکال به این مراسم، را به اطلاع حضار رساند. متن سخنرانی رفیق مارسل همج در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است. به دنبال آن رفیق مهدی سامع سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به ایراد سخنرانی پرداخت. وی ضمن یادآوری خاطره انقلاب اکتبر، خاطرنشان کرد که "سوسیالیزم علیرغم شکستهایش، همچنان زنده به پیش میرود". سخنرانی در ادامه به تاریخچه ای کوتاه از مبارزات مردم ایران از مشروطه تا انقلاب بهمین پرداخت و اضافه نمود که جنبش فدایی در جواب به شرایط خاص کشور ما و توجه به جنبشهای داخلی، متولد شد. وی سپس با اشاره به بحرانهای ساختاری رژیم به ارائه نقطه نظرات و راه حلهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پرداخت.

در بخش دیگر، سخنگوی سازمان به اوج سرکوب زنان توسط رژیم ملایان پرداخت و حمایت و گسترش جنبش زنان را امری مهم و لازم دانست. بعد از ایراد سخنرانی، یک تنفس ۲۰ دقیقه ای اعلام گردید، سپس برنامه پرسش و پاسخ آغاز و بیش از سه ساعت ادامه یافت. در این بخش حضار با تشریح نظرات خود، سؤالاتی پیرامون دیدگاههای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران مطرح می کردند که از طرف سخنگوی سازمان پاسخ داده شد.

روز ۲۶ اکتبر نیز جلسه سخنرانی رفیق مهدی سامع در تورنتو (کانادا) با حضور بیش از ۳۵۰ نفر برگزار شد. جلسه سخنرانی در تورنتو، به علت اعتصاب و تظاهرات گسترده کارگران بخشهای مختلف با ۳۰ دقیقه تاخیر برگزار و به مدت ۵ ساعت ادامه یافت. در این جلسه پس از سخنرانی و یک تنفس کوتاه، بخش پرسش و پاسخ شروع و با شرکت فعال شرکت کنندگان چندین ساعت ادامه یافت. متن ادغام شده سخنرانی سخنگوی سازمان در ونکوور و تورنتو، در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است.

فرج سرکوهی سردبیر مجله آدینه ربوده شد

اطلاعیه —

فرج سرکوهی در خطر مرگ قرار دارد
عوامل وزارت اطلاعات رژیم ایران، فرج سرکوهی، سردبیر مجله آدینه را روز ۱۳ آبان (۳ نوامبر ۹۶) در فرودگاه مهرآباد تهران ربوده و او را که عازم مسافرت به آلمان بود، به زندان انتقال دادند.

این آدم ربایی عوامل سرکوبگر جمهوری اسلامی، موجی از تنفر و انزجار در خارج از کشور برانگیخته است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، این اقدام زبوانه دارودسته خامنه ای - رفسنجانی را محکوم نموده و از نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و از آقای کاپیتورن، گزارشگر ویژه سازمان ملل، خواستار اقدام عاجل برای نجات جان فرج سرکوهی می باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۶/ آبان/ ۷۵

اطلاعیه —

مصاحبه با برادر فرج سرکوهی
رادیو فرانسه ۱۶/ آبان/ ۷۵: "آقای اسماعیل سرکوهی شما برادر فرج سرکوهی و در تهران هستید. لطفاً بفرمایید که قضیه از چه قراره و از فرج سرکوهی چه خبری دارید؟"

جواب: چیزی که می تونم بگویم اینه که ایشون روز یکشنبه ۱۳ آبان ماه به قصد دیدار بچه هاشون عازم آلمان بودند. صبح زود تا محل فرودگاه مشایعت می شوند و با دوستانشون خداحافظی می کنند. اما وارد فرودگاه می شوند و بعد اون چه که مسلم به مقصد نمی رسند. امروز درست ۴ روزه که من و خانواده ام در ایران و در آلمان هم زن و بچه هاشون از آقای سرکوهی بی خبریم. به مرجع قانونی نیکوکار هم من در فرودگاه مراجعه کردم جواب قانع کننده یی به من ندادند.

مصاحبه نماینده مجلس فدرال آلمان،
فرایموت دووه از حزب سوسیال دموکراتها

روزنامه تاگس سابتوگ چاپ آلمان ۲۳/ آبان/ ۷۵:
س: چگونه از مفقود شدن سرکوهی با خبر شدید؟
ج: دوستان او نزد من در دفترم خبر دادند.
س: و حالا چه کار باید کرد؟

ج: ما باید همین حالا کاملاً بدانیم، چه کسی دروغ می گوید. من به این خاطر، شماره پرواز و لیست پرواز را به سازمان جهانی پرواز IATA و به کینکل وزیر خارجه نوشته ام. اگر یک خط پرواز به عنوان عضو IATA ادعا کند که او را با خود حمل نموده است، آن وقت این یک ادعای جدی است. من تصور می کنم که برای ایران ایر، این چنین روشن نباشد. اگر معلوم شود که با لیست مسافران اهمال کاری شده است، آن وقت باید در باره عضویت ایران ایر در IATA بحث شود.

س: مقرراتی برای لیست پرواز وجود دارد؟
ج: به خاطر خطر سقوط و بیمه - این جزو مقررات IATA است، که هر لیستی باید مطلقاً شبیه به هویت انسانی باشد، که در داخل هواپیما هستند. شرکتهای هواپیمایی باید به طور دقیق یادآوری شوند که آنها دقیقاً با یک چنین اطلاعاتی رفتار کنند.

س: آیا دلایلی وجود دارد که به آن شک کرد؟
ج: من از کشورهای دیگری که الان نمی خواهم از آنها اسمی ببرم، می دانم که در آن جا شرکتهای هواپیمایی به طور تنگاتنگ با پلیس مخفی همکاری می کنند.

س: فکر می کنید که چه اتفاقی برای سرکوهی افتاده باشد؟

ج: گمان می کنم که در فرودگاه در تهران دستگیر شده است و اکنون یک جایی در شهر تهران است. اما بسیار معماگونه است. احتمالاً ترین کاری که یک دستگاه قدرت می تواند انجام دهد، یک عمل جلب نظر کننده این چنینی در فرودگاه است. سرکوهی می توانست به شکل نسبتاً آسانتری در تهران در دسترس باشد. من می توانم این طور توضیح بدهم که دستگاههای قدرت دولتی در تهران با هم همکاری نمی کنند، اما در آن جا خیلی چیزها در تاریکی می ماند.

س: تلاش سیاستمداران آلمانی از جمله شما برای سرکوهی چه ثمره ای دارد؟

ج: نامه های من همیشه اثر داشته اند، طوری که افراد مد نظر می دانند، در بیرون هنوز افرادی وجود دارند که مواظبتند. در ایران باید این گونه کارها را جدی گرفت. زیرا که ایران با کمال میل می خواهد که یک عضو نرمال جامعه جهانی باشد. بله، اما او این نیست."

اطلاعیه —

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس
۲۴/ آبان/ ۷۵: "شورای ملی مقاومت ایران دستگیری آقای فرج سرکوهی سردبیر مجله آدینه را به هنگام خروج از ایران محکوم می کند. وی روز ۱۳ آبان در حالی که تهران را به قصد آلمان ترک می کرد قبل از سوار شدن به هواپیما در فرودگاه مهرآباد توسط وزارت اطلاعات دستگیر شد. روز گذشته، روزنامه های رژیم پس از ۱۱ روز سکوت اعلام کردند که آقای سرکوهی روز ۱۳ آبان طبق برنامه از تهران به سمت آلمان پرواز کرده و به آلمان وارد شده است. وزارت اطلاعات ملایان با سرهم بندی چنین خبر مجعول از یک سو در صدد فشارهای بین المللی را علیه رژیم خنثی نماید و از سوی دیگر به این وسیله امکان توطئه علیه جان آقای سرکوهی را زمینه سازی می کند. شورای ملی مقاومت از سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر و نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر پرفسور کاپیتورن می خواهد تا ضمن محکوم کردن این اقدام سرکوبگرانه ملایان، تلاشهای بلادرنگ خود را برای نجات جان آقای سرکوهی و آزادی وی آغاز کنند."

نامه نمایندگان مجلس آلمان به رفسنجانی

چهار نماینده مجلس آلمان از جناحهای مختلف نگرانی خود را در نامه یی به رفسنجانی از "ناپدید شدن" یک نویسنده و روزنامه نگار ایرانی ابراز داشتند. نمایندگان در این نامه، گزارش می کنند که فرج سرکوهی قصد داشته است روز ۳ نوامبر به مقصد فرانکفورت پرواز کند و به خانواده خود در هامبورگ بپیوندد ولی او هرگز به فرانکفورت و نه به هامبورگ نرسیده است. اندراسکروسشید از اتحاد مسیحیان، حزب صدر اعظم هلموت کهل، فریموت دوو و آنتک دیترتشورث به ترتیب نمایندگان حزب سوسیال دموکرات و سبزا که هر دو اپوزیسیون می باشند می گویند که ترس از آن دارند که رابطه یی بین "ناپدید شدن" سرکوهی و اعضای که وی زیر یک نامه سرگشاده که در آن ۱۳۴ متفکر ایرانی در ۱۹۹۴ خواستار آزادی بیان بوده اند، وجود داشته باشد. این نمایندگان معتقدند که فرج سرکوهی قبلاً دستگیر شده و چندین بار در گذشته مورد استماع قرار گرفته است. نمایندگان مجلس در نامه شان می نویسند که "ما از شما می خواهیم متعهد شوید تا در صورتی که سرکوهی زندانی است سریعاً آزاد شود و کاری نکنید که با او بدرفتاری نشده و مورد شکنجه قرار نگیرد. خبرگزاری فرانسه ۲۲/ آبان/ ۷۵

اطلاعیه —

بنابر آخرین اطلاعاتی که آقای ابوالحسن بنی صدر در اختیار ما گذاشته است، آقای فرج سرکوهی، سردبیر نشریه آدینه، که از تاریخ سوم نوامبر ۹۶ (۱۳ آبان ۷۵) در فرودگاه مهرآباد تهران مفقودالثر شده است، هم اکنون در یکی از زندانهای مخفی وواک در بازداشت به سر می برد. این بازداشتگاه طبق اطلاعات آقای بنی صدر، در تهران، خیابان پاسداران، گلستان هفتم، شماره ۲۶ واقع است.

کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی
۱۹ نوامبر ۱۹۹۶

توضیح: آقای بنی صدر در روز ۲۰ نوامبر طی اطلاعیه ای اعلام کرد که فرج سرکوهی از زندان قبلی به یک خانه امن وزارت اطلاعات به نام آموزشگاه رجایی شهر در کنار زندان گوهردشت انتقال یافته است.

موج سرکوب و ارباب هنرمندان و لزوم مقابله با آن

— محمدرضا حمیدی

اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه هنرمندان و به ویژه نویسندگان کشورمان با ربودن آقای فرج سرکوهی ابعاد تازه ای یافت. بعد از صدور بیانیه ۱۳۴ نویسنده و هنرمند علیه سانسور و محدودیت آزادی بیان در سال ۷۳، اولین عکس العمل رژیم و عوامل آن از جمله گروههای فشار، تهدید امضاء کنندگان بود. به این ترتیب مشخص گردید که رژیم ولایت فقیه تاب و توان تحمل هیچ گونه انتقاد و یا اعتراضی را نداشته و بنا بر ماهیت ارتجاعی اش همچنان به روند سرکوب ادامه خواهد داد. جابه جایی عوامل رژیم در وزارت خانه ها و ارگانهای دخیل در امور هنری و مطبوعاتی با هدف به کارگیری اهرمهای فشار بیشتر اولین پیامد آن بود. هم چنین سازماندهی گروههای فشار که به مثابه اهرمهای ارگانیک رژیم عمل کرده اند، موازی با این سیاستها نمود بارزتری یافت. از آن پس رژیم هر جا که توانست با به کارگیری ابزارهای خاص خود از جمله لغو اجازة انتشار مطبوعات، صدور دستورالعملهای محدود کننده و سانسور، سازماندهی حمله به دفاتر انتشاراتی و مطبوعاتی از طریق گروههای فشار و اوباش وابسته به خود، جلوگیری از نمایش فیلم و ممنوعیت بازیگران، دستگیری هنرمندان و نویسندگان و عوامل مطبوعاتی، سیاست سرکوبگرانه خود را افزایش داد. در این میان نویسندگان و فعالین مطبوعاتی در معرض بیشترین تهاجم قرار گرفتند که دلیل آن نیز طرح مجدد تشکیل کانون نویسندگان کشور و ابراز نظرهای مخالف و انتقادی در مطبوعات بود. فرج سرکوهی سردبیر مجله آدینه و یکی از امضاء کنندگان بیانیه اعتراضی نویسندگان در سال ۷۳، علاوه بر این که از پیشنهاد دهندگان تشکیل کانون نویسندگان به شمار می رفت با درج مقالاتی انتقادی در مجله آدینه در معرض هجوم سرکوبگرانه رژیم و عواملش قرار گرفت. وی که از پیشینه سیاسی فرهنگی طولانی برخوردار است در زمان رژیم سابق نیز سالها در زندان بسر برده و در تاریخ سوم نوامبر هنگامی که می خواست از فرودگاه مهرآباد جهت دیدار خانواده اش به آلمان عزیمت کند توسط عوامل اطلاعاتی رژیم ربوده شد و تا کنون اطلاعی از وی در دست نیست.

فرج سرکوهی و مجله آدینه به کرات مورد تهاجم رژیم و مطبوعات وابسته به آن از جمله صبح، کیهان و جمهوری اسلامی و گروههای فشار قرار گرفته و در ماه ژوئیه نیز به همراه ۵ نویسنده دیگر هنگامی که میزبان کاردار فرهنگی سفارت آلمان در تهران بودند، دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفت. ربودن این نویسنده و عدم اطلاع از سرنوشت وی و هم چنین تعرض رژیم به آزادی بیان، زنگ خطری است که نویسندگان و هنرمندان کشور را تهدید می کند. می باید به هر طریق ممکن از جمله فعال نمودن کانونها و محافل اهل قلم و مجامع طرفدار حقوق بشر و هنرمندان، با افشای ماهیت رژیم زمینه های حمایت از هنرمندان را فراهم و گامهای عملی در جهت رهایی فرج سرکوهی برداشت. اقداماتی که در این خصوص صورت می گیرد زمینه های عملی حراست از آزادی بیان است. فشار قاطع و گسترده بر این رژیم که اساسا ظرفیت تحمل انتقاد و رعایت حقوق انسانی را ندارد، آنها را مجبور به عقب نشینی خواهد کرد.

اخبار

درگذشت غفار حسینی، نویسنده و شاعر ایرانی روز دوشنبه ۱۱ نوامبر امسال، غفار حسینی شاعر، نویسنده و مترجم و عضو کانون نویسندگان ایرانی در اثر سکته قلبی در منزل خود در قلهک تهران درگذشت. زنده یاد غفار حسینی از امضاء کنندگان بیانیه ۱۳۴ نویسنده در ایران و یکی از افرادی بود که توسط عوامل وزارت اطلاعات رژیم در ۹ سپتامبر امسال در خانه منصور کوشان بازداشت شده بود. غفار حسینی در تهران تنها زندگی می کرد تا روز چهارشنبه که خبر درگذشت او پخش گردید، دوستان و آشنایانش از او اطلاعی نداشتند. روز چهارشنبه عده ای از دوستان غفار حسینی با راهنمایی همسایگان از پنجره وارد خانه اش می شوند و با جسد او روبرو می شوند. بعضی از سازمانهای سیاسی ایرانی و رسانه های خبری درگذشت غفار حسینی را مشکوک اعلام کردند. پزشک قانونی در تهران، علت مرگ را سکته قلبی اعلام کرده است. درگذشت آقای غفار حسینی را به خانواده و دوستانش تسلیت می گویم.

جایزه به ژیل مساعد

ژیل مساعد شاعر و نویسنده ایرانی مقیم کارستاد برنده جایزه فامیلین کلاسه ویلدر به ارزش ۲۵ هزار کرون شد. این جایزه که ویژه شاعران و نویسندگان خارجی مقیم سوئد است، هر دو سال یک بار داده می شود. ژیل مساعد دومین نفری است که این جایزه را به دست می آورد.

رادیو پژواک سوئد ۲۶/مهر/۷۵

کنسرت سیما بینا با موفقیت برگزار شد

روزهای شنبه ۱۶ نوامبر و یکشنبه ۱۷ نوامبر کنسرت سیما بینا، خواننده توانای ترانه های محلی در پاریس برگزار شد. سیما بینا در این برنامه ها به اجرای کارهای تازه اش در زمینه موسیقی محلی شمال خراسان و نیز بعضی ترانه های فراموش نشدنی اش پرداخت که مورد استقبال وسیع قرار گرفت. این کنسرتها به وسیله کانون فرهنگی، هنری پویا برگزار شد.

شب شعرخوانی سیمین بهبهانی در پاریس

روز شنبه ۲۶ اکتبر امسال، خانم سیمین بهبهانی، شاعر ارزنده کشورمان در یک جلسه شعرخوانی در پاریس شرکت کرد. در این برنامه که به وسیله کانون فرهنگی - هنری پویا برگزار شده بود، خانم بهبهانی به قرائت تعدادی از اشعار خود مبادرت ورزید که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. در این برنامه فیلم "دیدار با سیمین بهبهانی" ساخته ناصر زراعتی نمایش داده شد. خانم بهبهانی همچنین در شهرهای بروکسل، آمستردام، لاهه، دورتموند، آخن، کلن، هانوفر، فرانکفورت، وین، برنامه شعرخوانی اجرا نمود.

توضیح دفتر سینمای آزاد

سردبیر محترم نشریه نبرد خلق احتراماً در مورد درج اطلاعاته مشاطه گران ... در شماره ۱۳۷ آن نشریه - نیاز هست به اطلاعاتان برسائیم که چون تا آخرین لحظه ای که امکان چاپ مجله سینمای آزاد بود از دوستان و یاران همراهمان در مرکز فرهنگی هایدلبرگ و کانون پناهندگان برلین جواب دریافت نکردیم - آن اطلاعاته در شکل نهایی آن بدون امضاء این دو مرکز انتشار یافته است. در صورت امکان اقدام به چاپ یادآوری ما بنمایید.

با سپاس - دفتر سینمای آزاد - زاربروکن
بصیر نصیبی

نمایش فیلم سنگ

فیلم "سنگ" ساخته مهناز تمیزی فیلمساز ایرانی مقیم کشور هلند که یک فیلم نیم ساعته سنگسار است، توسط رادیو صدای زنان استکهلم و کانون دانشجویان ایرانی در اسپالا به نمایش گذاشته شد. این نمایش همراه با سخنرانی کارگردان فیلم، مهناز تمیزی انجام بود.

رادیو پژواک سوئد ۲۶/مهر/۷۵

نمایش فیلم فضای متروک

فیلم کوتاه ۱۵ دقیقه ای به نام "فضای متروک" ساخته زن جوان ایرانی، نگار حاج سید جوانی در فستیوال سینمایی دانکرک به نمایش گذاشته شد، که بخش مسابقه ای آن تا دیروز ادامه داشت.

رادیو فرانسه ۳۰/مهر/۷۵

نمایش فیلم معنای شب

در پانزدهمین دور فستیوال فیلمهای کوتاه در اسپالا که از ۲۲ اکتبر آغاز شده و تا ۲۷ اکتبر ادامه دارد فیلم "معنای شب" ساخته مصطفی کلازتری فیلمساز ایرانی ساکن هلند روز جمعه ۲۵ اکتبر با حضور خود فیلمساز به نمایش درآمد. این فیلم که به زبان هلندی و عربی و با زیرنویس انگلیسی نشان داده شد، تاکنون موفق به دریافت چند جایزه بین المللی شده است. رادیو پژواک سوئد ۳/آبان/۷۵

اعتراض به ربودن فرج سرکوهی

رادیو اسرائیل روز ۱۷/آبان/۷۵ - شماری از سازمانهای برون مرزی ایرانی بیانیه هایی در محکوم دانستن اقدام ربودن فرج سرکوهی، منتشر ساختند. اعضای کانون نویسندگان ایرانی در تبعید، و اعضای انجمن قلم ایران در تبعید، شعبه سوئد، با ارسال نامه فوری برای دبیر انجمن بین المللی قلم خواستار گردیدند که هر چه زودتر برای آگاهی از سرنوشت آقای سرکوهی اقدام شود. در این نامه ابراز نگرانی گردیده که ممکن است سردبیر نشریه آدینه، به سرنوشت سعیدی سیرجانی نویسنده ایرانی، مبتلا گردد. سازمان برون مرزی حزب ملت ایران، ربوده شدن سرکوهی را تجاوز آشکار نظام دیکتاتوری حاکم بر ایران توصیف کرد و از همه ایرانیان آزادیخواه، سازمانها و گروههای سیاسی ایرانی خواست صدای اعتراض خود را بلند کنند. انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران نیز که مرکز آن در پاریس است، در بیانیه خود نوشت، پس از به قتل رسیدن سعیدی سیرجانی و احمد علانی در شرایط مشکوک و نامعلوم، حال خبر از ناپدید شدن فرج سرکوهی است.

واکنش رژیم در باره ناپدید شدن سرکوهی

۱۱ روز پس از ناپدید شدن فرج سرکوهی نویسنده و روزنامه نگار ایرانی امروز برای نخستین بار گزارشی در این باره از سوی یک روزنامه حکومت اسلامی چاپ شد که در آن جمهوری اسلامی خود را از هرگونه مسئولیتی در قبال جان آقای فرج سرکوهی مبرا می داند و اعلام کرد او از ایران خارج شده، به هامبورگ آلمان رسیده و هر حادثه ای برای او در خارج روی داده باشد دیگر در چارچوب مسئولیت ایران نیست. بدین ترتیب حکومت اسلامی ایران عملاً دولت آلمان را مسئول حفظ جان و سرنوشت فرج سرکوهی می داند. این در حالی است که بستگان، دوستان و همکاران این نویسنده ایرانی ابراز اطمینان می کنند که سرکوهی سحرگاه یکشنبه هفته گذشته در فرودگاه مهرآباد تهران دستگیر شده و اصولاً سوار هواپیمای ایران ایر به مقصد فرانکفورت آلمان نشده است.

رادیو اسرائیل ۲۳/آبان/۷۵

- لاهه، هلند

زنان علیه اخراج

۲۵ نوامبر را به روز اعتراض علیه اخراج

پناهجویان تبدیل کنیم

اخراج پناهجویان را متوقف کنید

اخراج زنان پناهجو باید متوقف شود
زنان ایرانی را به کشور تحت حاکمیت
بنیادگرایان برنگردانید

گردهمایی روز ۲۵ نوامبر ۱۹۹۶

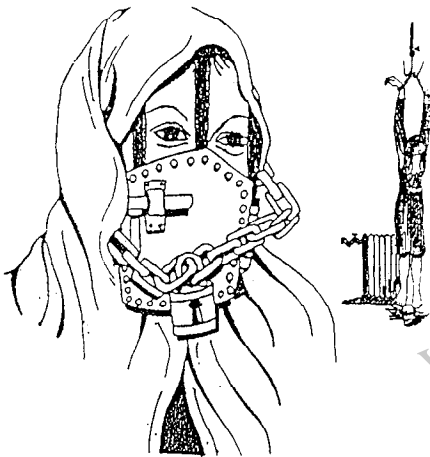
زمان: از ساعت ۱۳ تا ۱۵ بعد از ظهر

مکان:

Nieuwspoor

Lange Poten 10

Den Haag

در این گردهمایی تمامی درخواستهای مبنی بر
اعتراض علیه اخراج پناهجویان به نمایندگان
پارلمان و دادگستری هلند ارائه می گردد.Mensenrechten - Vrouwenrechten
حقوق زنان - حقوق بشر25 November, de Internationale dag voor het
stoppen van geweld tegen vrouwen.

۲۵ نوامبر روز جهانی توقف خشونت علیه زنان

NABARD
Postbus 7893
4338 GB Middelburg
NEDERLAND

کمیته زنان انجمن فرهنگی نبرد - هلند

NABARD CULTURELE ASSOCIATIE
VROUWEN COMITE

خواستند که تجربیات خود را بازگو کنند. این دیدار اولین اقدام کمیته به لحاظ مالی توسط وزارت خارجه، جامعه اروپا، و صندوق اقدام اجتماعی منطقه بی و بعضی شهرداریهای منطقه رون، مورد حمایت قرار گرفته بود. هدف آن این است که روابط بین زنان دو طرف مدیترانه را تحکیم بخشد. این زنان فرانسوی و الجزایری یا افغانی، در یک دیدار یک هفته بی گفتند که "ما در یک کشور قانون هستیم و اجازه نخواهیم داد که هیچ کس بتواند قانون را نقض کند، چه کماندهای ضد سقط جنین و چه باندهای جوانانی که توسط بنیادگرایان تشکیل می شوند تا حق کار و ابراز نظر زنان و خواهران خود را ممنوع سازند.

روزنامه فیگارو ۱۷/آبان/۷۵

از خانه خارج نشوند و به مدارس راه پیدا نکنند. وی همه روزه خبرهایی در مورد وارد کردن ضرب و شتم به زنان دریافت می کند.

رادیو فرانسه ۱۸/آبان/۷۵

نقش زنان در یک حزب اسلامی در افغانستان
حزب شیعه وحدت اسلامی افغانستان شاخه کریم خلیلی تغییراتی در تشکیلات خود داده و ۹ زن را به عضویت شورای مرکزی خود درآورده است که در نوع خود در احزاب جهادی افغانستان بیسابقه است.

رادیو بی بی سی ۲۰/آبان/۷۵

سازمان بین المللی زنان، در

وزارت امور خارجه رژیم

رئیس اداره امور اجتماعی بین المللی و زنان وزارت خارجه گفت: این اداره در تلاش برای نهایی کردن منشور تاسیس سازمان بین المللی زنان در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی است.

فاطمه هاشمی در گفتگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی افزود: تشویق سازمانهای غیر دولتی به ارائه اطلاعات واقعی از وضع زنان در ایران، فعال و آشنا کردن آنها در مسائل بین المللی، تقویت همکاری با سایر نهادهای مربوط به زنان و سایر وزارتخانه ها برای هماهنگی برنامه ها و سیاستها، از دیگر برنامه های این اداره است.

وی هدف از تاسیس اداره امور اجتماعی بین المللی و زنان در وزارت امور خارجه را به دست گرفتن ابتکار عمل توسط جمهوری اسلامی ایران در مسائل بین المللی، ترسیم و ارائه چهره واقعی زن مسلمان ایران، آشنا کردن ملتها با حقوق اسلامی و انسانی زنان و تسلط بر جریانها و مسائل بین المللی، عنوان کرد و گفت: این اداره به موضوعهایی چون حقوق زنان، خشونت علیه زنان، کنوانسیون رفع تبعیض نسبت به زنان، سازمانهای غیر دولتی فعالیتها، اتحادیه بین المجالس، سازمان کنفرانس اسلامی و دیگر سازمانهای جهانی در باره زنان می پردازد.

روزنامه اطلاعات ۶/آبان/۷۵

زنان، بنیادگرایی و راه حلها

روز شنبه ۲۶ اکتبر، جلسه ای از طرف "انجمن بین المللی حقوق بشر زنان" تحت عنوان "زنان، بنیادگرایی و راه حلها" در پاریس برگزار شد. در این جلسه ۱۰۰ نفر از اعضای انجمنهای فعال و زنان علاقمند به مسائل زنان حضور داشتند.

سخنرانان این جلسه عبارت بودند از خانم خیرالامش، استاد دانشگاه و عضو انجمن FAIDES، خانم فرانسواز دورو، فیلسوف و استاد دانشگاه پاریس، خانم فریال فانتس، کارشناس سیاسی الجزایر و عضو انجمن APEEL و خانم سهیلا صادق، عضو شورای ملی مقاومت ایران. سخنرانان در این جلسه ویژگیهای بنیادگرایی و تاثیرهای آن را در جوامع و فرهنگ کشور خود و به ویژه بر روی جامعه زنان مورد بررسی قرار دادند.

جبهه ضد بنیادگرایی در لیون

در لیون جبهه بی علیه بنیادگرایی تشکیل شد. زنان لیونی اعم از قاضی، هنرمند، روزنامه نگار و محقق، در انجمنی به نام زنان علیه بنیادگرایی گرد آمدند. آنان می گویند که بنیادگرایی شهرها و حومه های ما را دارد اشغال می کند و حقوق و آزادیهای ما و دخترانمان را تهدید می کند. ما می خواهیم که این دیوار سکوت و ترس برداشته شود. آنها برای فکر روی امکانات مقابله با بنیادگرایی هفته گذشته از حدود بیست انجمن زنان الجزایری

بستن حمامهای زنان در کابل

در کابل بنیادگرایان اسلامی طالبان همه حمامهای زنانه را بستند و آنها را غیر اسلامی توصیف کردند. رادیو اسرائیل ۲۸ مهر گزارش نمود که در سراسر کابل ۳۲ حمام عمومی برای زنان وجود دارد که به صاحبان آنها دستور داده شد همه آنها را ببندند، معلوم نیست در شرایطی که در کمتر خانه بی در پایتخت جنگ زده افغانستان حمام خانگی و حتی آب لوله کشی وجود دارد، زنان از این پس چگونه خواهند توانست به نظافت بدن خود بپردازند. سران طالبان عقیده دارند که زن نباید از خانه خارج شود و از این نظر کار زنان و حتی تحصیل دختران در مدارس را نیز ممنوع ساختند.

تظاهرات زنان در افغانستان

در شهر مرزی مزار شریف در شمال افغانستان که در تسلط نیروهای ازبک به فرماندهی ژنرال عبدالرشید دوستوم قرار دارد، زنان افغانی روز گذشته علیه طالبان و پایمال شدن حقوق زن در حکومت آنها به تظاهرات دست زدند. رادیو اسرائیل ۳/آبان گزارش نمود که حدود ۴۰۰ زن افغان در این تظاهرات شرکت داشتند. راهپیمایان از دانشگاه مزار شریف به سوی مسجد شهر به راه افتادند. دانشگاه مزار شریف تنها مؤسسه آموزشی و فرهنگی افغانستان است که پس از به روی کار آمدن طالبان هنوز به روی تحصیل زنان باز است. در این میان گروه طالبان امروز شماری از تانکهایی را برای دفاع از کابل وارد پایتخت کرده است، برای نابود کردن هزاران قوطی و بطری آبجو به کار گرفت و مقادیری عظیم آبجو در خیابانهای کابل نابود شد.

دفاع از پناهجویان زن

کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران که مقر آن در پایتخت سوئد قرار دارد، نسبت به جان زنان پناهجوی اعتصاب کننده ایرانی در ترکیه که حالشان وخیم توصیف شده، ابراز نگرانی کرد. پلیس ترکیه ۱۵ نفر از پناهجویان ایرانی را که از هفت هفته پیش دست به اعتصاب غذا زده اند به زور به بیمارستانها برده است. سازمانهای ایرانی که از خواسته های پناهجویان ایرانی حمایت می کنند، امروز از آنان خواستند برای جلوگیری از مرگ خود موافقت کنند که به بدنشان سرم وصل شود.

رادیو اسرائیل ۲۰/آبان/۷۵

سمینار سازماندهی زنان چپ فمینیست

در یوتوبوری سمیناری تحت عنوان سازماندهی زنان چپ فمینیست با شرکت فعالین جنبش چپ فمینیستی از ۱۱ کشور از روز ۱۰ آبان در مدرسه عالی زنان آغاز شد و به مدت سه روز ادامه خواهد یافت. در این سمینار هایدو درآگاهی در مورد خانواده و لیلا ایرانی تحت عنوان "چگونه می توان متشکل شد" سخنرانی کردند.

رادیو پژواک سوئد ۱۹/آبان/۷۵

اعلام نگرانی از خشونت علیه زنان

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، رادیکا گومارا ساوانی با اعلام نگرانی خویش از خشونت‌هایی که طالبان بر زنان اعمال می کنند، در پیامی از ملامحمد عمر رئیس شورای عالی جنبش طالبان خواست که حقوق زنان را محترم بشمارد و ممنوعیت کار آنها را لغو کند. شورای امنیت سازمان ملل نیز تجاوز به حقوق زنان را محکوم کرد. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد می گوید از زمان فتح کابل توسط طالبان یعنی از یک ماه پیش سیاست بر این است که زنان

تبعیض جنسی در آمریکا

— ناهید شایان

زنان، قربانیان جنسی

مترجم: سیروس فتحی

منبع: کوتاه شده از روزنامه *Algemene dagblad*
تاریخ: ۱۵ نوامبر ۱۹۹۶

هنوز در آفریقای جنوبی مردانی هستند که معتقدند تنها با هم بستر شدن با یک دختر باکره بیماری ایدز آنها شفا می یابد. طبیعتاً این تنها دختران جوان نیستند که قربانی این عقیده خرافاتی خواهند شد، بلکه دختر بچه ها و حتی نوزادان نیز مورد تجاوز جنسی مبتلایان به ایدز واقع می شوند. سازمان مطالعاتی و بهداشتی (NPPHCN) در تحقیق و پژوهش خود اعلام داشته ۴۰ درصد از زنانی که در آفریقای جنوبی باردار شده اند زیر ۱۹ سال هستند و برای نمونه از بارداری دختر بچه ۱۰ ساله ای صحبت می شود که هنوز نمی داند چگونه باردار شده است. این گزارش می افزایش ویروس ایدز به شدت در بین زنان ۱۵ تا ۲۰ ساله رایج است که میزان آن تا سال ۲۰۰۰ تقریباً به ۳/۷ میلیون نفر خواهد رسید. نگرانی نسبت به رشد آمار سقط جنین در بین دختران وجود دارد، به ویژه آن که غالباً سقط جنین بدون نظارت پزشک و یا دارو بوده است. سالانه ۲۰۰ هزار سقط جنین در آفریقای جنوبی بدون استفاده از پزشک و دارو صورت می گیرد که اغلب به طور ناقص در یک انباری یا محلی متروک انجام می شود. براساس اعتقادات خرافه پرستانه مردان، امکان جلوگیری از بارداری با استفاده از هیچ شیوه ای وجود ندارد زیرا زنی که نخواهد باردار شود عملاً از جامعه طرد خواهد شد. آموزشهای جنسی به مردم نیز عملاً مفید واقع نشده است. طبیعتاً قربانی درجه اول ادامه این وضع در آفریقای جنوبی زنان هستند.

برای سیستم سرمایه داری و هم برای مردان در جوامع مردسالارانه سودمند است. در نظام سرمایه داری زنان به عنوان نیروی کار ارزان که می توانند کارهای تکراری را با صبر و حوصله انجام دهند و توقع زیادی نیز ندارند، منبعی بکر و آماده برای بهره برداری هستند. جداسازی زنان از مردان و نگاه داشتن آنها در کارهای کم درآمد، یکنواخت و خسته کننده خطاهای تولید برای آن دسته از کمپانیهایی که بیشترین نیروی کارگر آنها را زنان تشکیل می دهند، بسیار سودمند است. بنابراین برای سیستم سرمایه داری چه چیز بهتر از آن که کارهای به ظاهر "صورتی" و در باطن "سیاه" را به زنان اختصاص داده و عملاً آنها را به نفع سیستم استثمار کند.

گفته شد که نابرابری و تبعیض جنسی به نفع مردان نیز است. این طبیعی است که در جوامع مردسالارانه، مردان که سنتاً قدرت بیشتری دارند، می خواهند این قدرت را حفظ کنند. قدرت آنها، در سطح خانواده با داشتن قدرت مالی بیشتر آنها حفظ می شود. هرچه درآمد مردان بیشتر باشد، قدرتشان نیز در خانواده بیشتر است و بالعکس هرچه درآمد زنان کمتر باشد قدرتشان و نهایتاً استقلالشان کمتر است. بدین ترتیب یک زن در آمریکا اگر بخواهد تنها از طریق درآمد خود، مستقل و تنها زندگی کند، خصوصاً اگر مادر نیز باشد، نخواهد توانست به راحتی و به تنهایی مخارج خود و کودکان را تأمین کند مگر آن که به خیل زنان فقیر بپیوندد. برای نمونه در سال ۱۹۹۳ در آمریکا، ۸۳ درصد از افرادی که زیر خط فقر بوده اند را زنان و فرزندان تشکیل می داده اند. این پدیده نیز به نفع مردان است زیرا در صورتی که زنانشان بخواهند از آنها جدا شوند، به علت این که درآمدشان برای تشکیل یک زندگی مستقل کفایت نمی کند نمی توانند به راحتی این کار را انجام دهند.

بنابراین در جامعه سرمایه داری استثمار زنان و تبعیض در مورد آنها، نه تنها به افزایش ارزش اضافی کمک می کند، بلکه با پرداختن مزد کمتر به زنان قدرت در سطح خانواده تقویت می شود و این در عمل به بالا رفتن ضرور مردانه منجر می شود و در این میان این زنان هستند که متحمل بیشترین صدمه جسمی و روانی می شوند. تبعیض جنسی به قیمت مشکلات روحی و جسمی برای زنان از جمله "خود کم بینی" که بخصوص در میان زنان مسن تر بیشتر به چشم می خورد تمام می شود. تبعیض جنسی بخصوص در مورد مادرانی که طلاق گرفته اند، سبب بالا رفتن درصد خانواده های شده است. و در ضمن کل جامعه نیز بهای سنگین برای این گونه تبعیضها می پردازد. ممانعت از ورود زنان به مشاغل که نیاز به قوه رهبری، خلاقیت و سازندگی دارد، به اقتصاد و ساختار جامعه آسیب زیادی می رساند. چرا که نیروی سازندگی نیمی از جامعه که چه بسا بهتر از نیمه دیگر جامعه باشد، به کار گرفته نمی شود. بی گمان این خود زنان هستند که باید با مبارزه بی امانشان علیه تبعیض جنسی آن را ریشه کن کرده و طرحی نو دراندازند.

اکتبر ۹۶

در این مقاله آمار و ارقام: U.S. Bureau of the census, 1993: 384 - 395 است.

اگر چه ساختار و باورهای جوامع غربی در ارتباط با نقش زن در زمینه های سیاسی و اجتماعی نسبت به قرن پیش تغییرات مثبتی کرده ولی تبعیض جنسی هم چنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر زنان اعمال می شود. با وجود این که جنبش فمینیستی در چند دهه اخیر در آمریکا باعث ورود زنان به بازار کار و دنیای سیاست شده ولی هم چنان می توان نابرابریهای جنسی را در سطحی وسیع مشاهده نمود. موضوع مورد بحث در این مقاله چگونگی بهره برداری سیستم سرمایه داری از زنان از طریق اعمال تبعیض جنسی در بازار کار آمریکا و انطباق منافع این سیستم با منافع مردان در جوامع مردسالارانه است.

آغاز ورود زنان آمریکایی به بازار کار از جنگ جهانی دوم شروع شد. وقتی بیشتر مردان عازم جنگ شده بودند و کارخانه ها در آمریکا با کمبود کارگر مواجه بودند، زنان، که تا قبل از آن فقط به امور خانه داری می پرداختند، با ورود گسترده شان به بازار کار، توانستند چرخ این کارخانه ها را بچرخانند و کشور را از حالت نیمه فلج خارج سازند.

با پایان جنگ، هر چند که درصدی از زنان کارگر به خانه ها بازگشتند ولی بیشتر آنها ترجیح دادند به کار در خارج از خانه ادامه داده و استقلال مالی خود را حفظ کنند. از آن به بعد درصد زنانی که سالیانه وارد بازار کار می شدند، افزایش می یافت. درصد زنان در بازار کار از ۲۰ درصد در دهه ۱۹۴۰ به ۵۷ درصد در سال ۱۹۹۱ افزایش یافت. این به معنی آن است که تقریباً نیمی از نیروی کار را زنان تشکیل می دهند.

زن کارگر در آمریکا چه کسی است؟ او شاید یک پرستار و یا یک منشی باشد. شاید هم در کارخانه ای در خط تولید به کار مشغول باشد. البته کمتر پیش می آید که یک دکتر و یا مدیر مدرسه باشد. واقعیت این است که جستجوی زنان در بازار کار، آنها را به کارهایی که اصطلاحاً "یقه صورتی" نامیده می شود، سوق داده است. این گونه کارها بیشتر به زنان اختصاص داده می شود و زنان نیروی اصلی در این نوع کارها محسوب می شوند. برای مثال میتوان از معلمی، پرستاری و امروزه کارگران خط تولید نام برد. به عبارتی دیگر "یقه صورتی" نوعی کد برای کارهای طاقت فرسا، سخت، تکراری، کم درآمد و بدون هیچ چشم انداز برای آینده بهتر است.

این سؤال مطرح می شود که چه چیز واقعاً مانع از دسترسی زنان به مشاغل بهتر با درآمدهای بیشتر است؟ مانع دسترسی زنان به کارهای غیر "صورتی" چیست؟ پاسخ به این سؤال وجود تبعیض جنسی در بازار کار است که در حال حاضر علیه زنان اعمال می شود و باعث می شود آنها نتوانند به مشاغل بهتر و با آینده ای بهتر دسترسی داشته باشند.

چه کسانی تبعیض جنسی را پایه ریزی کرده و به آن دامن زده و از آن سود می برند؟ بدون شک این پدیده بسیار قدیمی و با ریشه های بسیار عمیق است. می توان حدس زد که قدمت آن به اولین تقسیم اجتماعی کسار و پیدایش جامعه مردسالارانه برمی گردد. مسلماً در این نوع جوامع مردان برای حفظ قدرتشان پایه های تبعیض جنسی را ریخته و همواره به زنان به عنوان یک جنس درجه دو نگاه کرده اند. می توان گفت که نظام سرمایه داری که برخاسته از بطن جوامع مردسالارانه است، نه تنها به این تبعیض جنسی دامن می زند بلکه از آن نیز سود نیز می برد. در حقیقت این گونه نابرابریها هم

شعری برای زن —

غانزهای وحشی

— مری الیور

مجبور نیستی که خوب باشی
مجبور نیستی که مسافتی چند را، در صحرایی خشک
بر روی زانوانت بپیمایی
تو فقط بگذار که وجودت
دوست بدارد آن چه را که دوست می دارد.
با من از ناامیدیهای خود بگو و من
از ناامیدیهای خود خواهم گفت

اما در این میان

جهان همچنان به پیش می رود،

خورشید و سنگ ریزه های باران

از سرزمینها

از چمن زارها و انبوه درختان

از رودها و کوهستانها

همچنان گذر خواهد کرد

غانزهای وحشی، در اوج، در هوای آبی پاک

به سوی آشیانه های خود پرواز می کنند

هر که تو هستی و هر قدر که تنهایی

جهان خود را، به تصورات تو تقدیم می کند

و تو را مانند غانزهای وحشی

فرا می خواند

سخت و پر جاذبه

بارها و بارها

اعلام می کند

جایگاه تو را

در خانواده موجودات

از مجموعه اشعار انتخابی و جدید بیکن پرس -
بوستن - ماساچوست ۱۹۹۲

برگردان: لیلیا

جنبش پیشتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم

و هویت جنبش پیشتاز فدایی زندگی جدیدی را آغاز کردیم. کمابیش دوستان در جریان شرایطی که پس از انقلاب ۲۲ بهمن در کشور ما حاکم شد، هستند. من هم وقت زیادی در این مورد نمی‌گیرم. منتها به سه نکته مهم پیرامون حکومت ولایت فقیه و جمهوری اسلامی اشاره می‌کنم.

اساسی‌ترین مشخصه‌های بحران کنونی

مهمترین و برجسته‌ترین مشخصه جامعه کنونی ما و رژیم ولایت فقیه بحران سیاسی است. بحران سیاسی به این معنی که ولایت فقیه فاقد "رهبری" و "فقیه‌ی" است که بتواند این نظام را نمایندگی کند. خمینی می‌توانست دستگاه آخوندی، که معتقد به این نظام بود را رهبری کند. پس از این که خمینی در جنگ شکست خورد و مجبور شد جام زهر آتش بس را بنوشد و هم چنین پس از مرگ او، نظام ولایت فقیه بدون فقیه‌ی که بتواند این نظام را اداره کند با یک سازش موقت توانست دوام بیاورد. قبای ولایت فقیه، برای علی‌خامنه‌ای بسیار گشاد است و اکنون هر کسی که به جامعه ایران نگاه می‌کند می‌بیند که یک بحران سیاسی حاد در رهبری سیاسی حکومت وجود دارد، به طوری که امروز نه فقط نیروهای ترقیخواه، نه فقط در کوچه و بازار مردم اعلام می‌کنند که آخوندها نمی‌توانند و نباید حکومت کنند، بلکه در هیأت حاکمه هم در رده‌های متوسط و حتی در بعضی از رده‌های بالایش این گرایش به وجود آمده که دیگر ولایت فقیه، کهنه، فرسوده شده و از کار افتاده و نمی‌تواند حتی منافع تمام قشرهای حاکم را هم تامین کند. ولایت خامنه‌ای، در یکی از سخت‌ترین و البته ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار دارد. انعکاس این بحران، تحولاتی بود که با عقب‌راندن رفسنجانی از سه سال قبل آغاز و در سال آینده به نقطه تعیین‌کننده اش خواهد رسید. حکومت مجبور است که یکی از با سابقه‌ترین کارهایش را، از اولین و مهمترین مسئولیت اجرایی کنار بگذارد. دومین بحران، بحران اجتماعی است به این معنی که نهادهایی که طی صد سال گذشته در جامعه مدنی ایران به هر دلیلی شکل گرفته بودند، حکومت کنونی آنها را تخریب کرده و نهادهایی به وجود آورده که نه می‌توانند و نه می‌خواهند خودشان را با جریان رشد جامعه تطبیق دهند. نمی‌توانند برای این که ارتجاعی و عقب‌افتاده هستند و نمی‌خواهند برای این که منافقان در آن صورت به خطر خواهد افتاد چون که هر حکومتی که نهادهای جامعه مدنی را بپذیرد سرانجام باید موجودیت خودش را به رای عمومی بگذارد و معلوم است که در چنین وضعیتی رژیم کنونی نخواهد توانست به حیاط خودش ادامه دهد. سومین بحران، اقتصادی است. آثار و علائم این بحران در زندگی مردم ایران به قدری فاحش است که احتیاج به توضیح آن هم در این فرصت کوتاه ندارد. با این تصویری که از اوضاع و احوال به طور خلاصه ترسیم کردم، می‌خواهم نتیجه بگیرم که جنبش پیشتاز فدایی، نیروهای ترقیخواه و در مجموع مقاومت ایران در شرایطی با این رژیم درگیر است که جامعه در یک بحران حاد ساختاری قرار گرفته و این جامعه با وجود حکومت کنونی هیچ راه حلی برای پیشرفت خودش ندارد، مگر این که رژیم کنونی را از مسیر تکامل خود بردارد. برای این امر است که باید مردم ایران و نیروهای ترقیخواه و در مجموع مقاومت ایران بسیج شوند و به این دوران سیاه که بر کشور ما حاکم است، خاتمه دهند.

بقیه در صفحه ۸

پس از آن، طی یک دوران کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب، بین مردم و ارتجاع، بین ترقی و ارتجاع، حکومت رضا شاه به سلطنت رسید و سالهای سیاه سکون و سرکوب بر کشور ما حاکم شد. در جنگ جهانی دوم کشور ما، پل پیروزی نام گرفت. خروج رضا شاه از کشور و به سلطنت رسیدن محمد رضا شاه که به ابتکار متفقین و به ویژه انگلستان صورت گرفت، سهم کشور ما در این جنگ بود. در فرصت پس از جنگ، جنبش ترقیخواه مردم ایران به رهبری زنده یاد دکتر محمد مصدق، شعار ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور را پیش گرفت. این جنبش پس از ملی کردن صنعت نفت و در ابتدای راه برای پیشرفت کشور بود که به وسیله کودتای امپریالیستی - ارتجاعی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سقوط دولت ملی دکتر مصدق به شکست انجامید.

شکل‌گیری جنبش پیشتاز فدایی

تحولات رفرمیستی دهه ۴۰ به تثبیت دیکتاتوری محمد رضا شاه منجر شد. دوران سیاه استبداد و سرکوب سیستماتیک باز هم در کشور ما حاکم شد. در آن شرایط سخت و دشوار، سؤال اساسی برای انقلابیها و نیروهای ترقیخواه این بود که در مقابل چنین شرایطی چه باید کرد؟ در نیمه دهه ۴۰ گروههای پیشتاز فدایی در پاسخ به این سؤال شکل گرفتند و در آغاز دهه ۵۰ با حماسه سیاهکل، جنبش پیشتاز فدایی متولد شد. جنبش پیشتاز فدایی، یک جنبش ترقیخواه و سوسیالیستی بود که اندیشه راهنمایش مارکسیسم - لنینیسم، و عمل انقلابی برای آزادی مردم ایران، سیاستش بود. این جنبش اعتقاد داشت که در شرایطی که نظام دیکتاتوری بر کشور ما حاکم است بدون توبل به مبارزه مسلحانه انقلابی نه می‌شود سازمان پیشتاز داشت و نه می‌توان اعتماد مردم را جلب کرد و نه می‌شود به پیش رفت. بسیاری از رزمندگان فدایی در مبارزه با رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه، در زندانها و یا در درگیریهای خیابانی جان باختند و یا به جوبه‌های دار سپرده شدند. جنبش پیشتاز فدایی، پس از گذشت کمی بیشتر از دو سال از عمر خود به یک جریان تثبیت شده تبدیل شد. رفیق امیر پرویز پویان گفته بود که "تاریخ توالی فصول نیست، توالی چشم اندازهای بی‌بازگشت است" و جنبش پیشتاز فدایی با این اعتقاد، توانست به نیروی مسلط جنبش کمونیستی ایران تبدیل شود. در آن شرایط سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می‌بایست خودش را با تحولات در حال تکامل منطبق می‌کرد. این سازمان تلاش خود را آغاز کرد اما در نیمه راه این تلاش، از یک طرف به خاطر به شهادت رسیدن رفیق کبیر بیژن جزئی در فروردین سال ۱۳۵۴ و از طرفی دیگر به شهادت رسیدن اعضای کمیته مرکزی سازمان و در رأس آن رفیق حمید اشرف در تیرماه سال ۱۳۵۵، سازمان فاقد رهبری انقلابی و هوشیار، که بتواند با تحولات در حال تکامل خودش را تطبیق دهد، شد. هفت سال پس حماسه سیاهکل، انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن در کشور ما به وقوع پیوست. در آن شرایط جنبش پیشتاز فدایی، آن چنان که بعضی از دوستان و رفقا به یاد دارند به بزرگترین سازمان سیاسی کشور تبدیل شد. اما در فقدان یک رهبری انقلابی و هوشمند، سازمان فدایی در طوفانی قرار گرفته بود که هدایت آن برای کسانی که آن موقع سازمان را هدایت می‌کردند، امکان پذیر نبود. بنابراین جنبش فدایی در دوران سیاه خمینی، از همان سالهای اول به انشعاب و تشتت کشیده شد. از بطن این انشعابات و تشتتها، ما در سال ۱۳۶۲ با اعلام برنامه

توضیح نبرد خلق: متن زیر تلفیق شده سخنرانی

رفیق مهدی سامع، در ونکوور و تورنتو است. مجموعه این دو سخنرانی در یک متن که به میزانی از گفتار به نوشتار تبدیل شده برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می‌شود. این سخنرانیها در روزهای ۲۰ و ۲۶ اکتبر امسال در شهرهای ونکوور و تورنتو با حضور مجموعاً ۵۰۰ نفر برگزار شد. تیتراهای داخل این متن از طرف نبرد خلق انتخاب شده و در مواردی برای دقیق کردن متن از بخش پرسش و پاسخ این دو جلسه استفاده شده است. ضمناً متن سخنرانی در تورنتو در روزنامه شهروند چاپ تورنتو چاپ شده است.

خانمها، آقایان، رفقای گرامی سلام. تشکر می‌کنم از حضور شما در این جلسه. قرار است که من ۴۵ دقیقه صحبت کنم و بقیه وقت صرف پرسش و پاسخ، بحث و تبادل نظر شود. بنابراین در زمان کوتاهی که به صحبت‌های من اختصاص داده شده، فرصت تشریح کامل نظرات وجود ندارد و من مجبورم به طور کلی به اصلی‌ترین خطوط که مسلماً نواقص بسیار دارد، بپردازم.

ما در پایان قرن بیستم هستیم، قرن که بر تارک آن بزرگترین انقلاب تاریخ بشری، انقلاب اکتبر در روسیه تزاری به پیروزی رسید. در همین قرن این انقلاب درخشان به اضمحلال و شکست کشانده شد. تجربیات، درسهای پیروزی و شکست این انقلاب، همچنان برای تمام سوسیالیستهای خلاق که از انقلابها کپی برداری نمی‌کنند، آموزنده است. قرن بیستم، قرن جنبشهای رهایی بخش در کشورهای مختلف، آسیا، آفریقا، آمریکا لاتین، قرن پیشرفت جنبشهای کارگری، قرن مبارزه برای برابری جنسی و برای بهبود محیط زیست است. در این قرن دو جنگ ویرانگر جهانی و صدها جنگ منطقه‌ای. میلیونها انسان را به کام خود کشید. بردگی در شکل جدیدش به طور گسترده رواج پیدا کرد و انحصارات امپریالیستی از شیره جان کارگران و زحمتکشان به انباشت عظیم سرمایه مبادرت ورزیدند. در این قرن جنبشهای فمینیستی در ابعاد گسترده رشد کرد. جوانان با ابعاد وسیع به مبارزه و سیاست کشانده شدند. هنر و ادبیات در جدال میان ارتجاع و ترقی نقش مهم خود را ایفاء کرد. قرن بیستم، قرن پیروزی و شکست، سکون و حرکت، بربریت و انسانیت، جنگ و صلح و... بود. در پایان این قرن، انقلاب علمی و فنی به عالی‌ترین سطح خودش رسید و جهان ما با پیشرفته‌ترین ابزار تولید در آستانه قرن بیست و یکم قرار گرفته است. طبعاً هر نیروی سیاسی و اجتماعی در مقابل این سؤال قرار می‌گیرد که آیا برای قرن آینده، حرفی برای گفتن و کاری برای انجام دادن دارد یا نه؟

اجازه دهید ابتدا مروری کوتاه به جنبش‌های بخش مردم ایران در این قرن که با انقلاب مشروطه آغاز شد داشته باشیم.

جنبش‌های بخش مردم ایران در قرن بیستم، راهی سخت و دشوار را طی کرده است. در این راه بسیاری از برجسته‌ترین زنان و مردان آزادخواه جان باختند. جنبش مشروطه برای ایجاد جامعه مدنی، برای قانون و برابری مساوات بود. هم‌زمان جنبش کارگری و سوسیالیستی در کشور ما متولد شد.

جنبش پیشتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم

را در مقابل خود قرار داده ایم، این مبارزه ادامه خواهد یافت. بعضیها که مدرن حرف می زنند به ما می گویند دارید مشت به سندان می کوبید، وقتی نمی توانست خود را کنترل کنید، می گویند اکنون که بچگی می کنید. بعضیها هم می گویند اکنون که دیوار برلن خراب شده، اکنون که "سوسیالیسم" در یکی از بزرگترین قدرتهای اتمی جهان، یکی از وسیعترین و نیرومندترین کشورها بعد از جنگ جهانی دوم به شکست کشیده شده آیا دفاع از تئوری انقلاب سوسیالیستی امر عاقلانه ای است و آیا اصلاً شدنی است؟ پاسخ ما چنین است: تا وقتی که بربریت چه در اشکال کهنه و چه در اشکال جدیدش در جهان وجود دارد، تا وقتی که استثمار چه در شکل‌های ابتدایی و چه در شکل‌های پیچیده اش در دنیای مدرن کنونی رایج است و تا وقتی که سرکوب، تبعیض و ستم هست، مبارزه برای عدالت برای آزادی و سوسیالیسم ادامه دارد. این مبارزه البته سخت، دشوار و طولانی است. گاهی با گام‌های آهسته و سنجیده و گاهی هم با گام‌های سریع پیش می رود و من اکنون که به گذشته نگاه می کنم، بر این باورم که جهان کنونی ما در مبارزه برای عدالت نسبت به آغاز این قرن بسیار پیشرفت کرده است. بسیاری از شعارها و خواسته‌هایی که انقلابی‌های سوسیالیست در ابتدای این قرن آرزوی کردند روزی بدان تحقق بخشند اکنون در اثر جنبش مردم همه کشورها در نقاطی از جهان تحقیق یافته است و مسلماً این مبارزه نتایج درخشانی هم در قرن آینده خواهد داشت. اما در مورد شکست‌ها؟ بهر حال ما امروز میراث دار بسیاری از شکست‌ها هم هستیم.

بسیاری این سؤال را از ما خواهند کرد و سؤال منطقی هم هست که آیا محصول منطقی مارکس و لنین، استالین یا یلتسین نیست؟ اگر چه من چنین نتیجه گیری کردن از رویدادها را صحیح نمی دانم و قبول ندارم که محصول منطقی و تکامل یافته انقلاب اکتبر، شرایط کنونی روسیه است. با این حال لازم و ضروری می دانم که تکلیف خودمان را با یک سری اندیشه‌ها و ایده‌ها روشن کنیم. اگر چنین کنیم مسلماً گردوخاک‌ها کنار خواهد رفت و واقعیت‌ها خود را بهتر نشان می دهد. البته اگر چنین نکنیم، اگر تکلیف خودمان را با یک سلسله اندیشه‌های منحط و غیر علمی روشن نکنیم، مسلماً حرف کسانی پیش می رود که در مقابل سوسیالیسم، جاودانه بدون "وضع موجود" را قرار می دهند. این که ما مارکسیسم را به عنوان یک اندیشه علمی می پذیریم به خودی خود روشن کننده مواضع ایدئولوژیک ما نیست مگر این که بگوییم چه برداشتی از مارکسیسم و به تبع آن لنینیسم داریم. یکی از خصوصیت‌های مهم جنبش پیشتاز فدایی در ابتدای شکل گیری آن این بود که گفت مارکسیسم یک اندیشه و شریعت جامد نیست، اندیشه‌ای تحول پذیر و رهنمودی برای عمل است.

در این زمینه جنبش پیشتاز فدایی بسیاری از فرمول‌هایی که در جنبش سنتی مارکسیستی غیر قابل تغییر بود را تغییر داد و در مسیر دیگری حرکت کرد. مارکسیست‌های سنتی بارها می گفتند و تکرار می کردند که، "بدون یک حزب انقلابی، عمل انقلابی غیر ممکن است" و جنبش پیشتاز فدایی نشان داد که چنین فرمولی یک حقیقت جهانشمول نیست. همان طور که گفتیم مارکسیسم رهنمود عمل است، عمل برای ساختن یک جامعه سوسیالیستی، برای آزادی کارگران و زحمتکش‌ان از قید بندگی و استثمار و برای ایجاد یک جامعه پیشرفته. بنابراین ما هر گونه مطلقگرایی را رد می کنیم و اساساً معتقدیم که

بقیه در صفحه ۹

وضع از این هم بدتر می شود و بعضیها به طور قاطع می گویند که وضع بدتر خواهد شد. بنابراین در یک بحث سیاسی، و نه در یک مجادله فلسفی خشک و خالی، خواه ناخواه این سؤال مطرح می شود که آیا واقعا این چنین است؟ اگر انتظار دارید که من به شما بگویم که حتما چنین خواهد بود یا نخواهد بود، من نمی توانم چنین حکم قاطعی بدهم. اما من بر این باورم که مردم ایران به آن درجه از رشد و تکامل رسیده اند، که اولین گام‌ها را برای آزادی و رهایی برای یک جامعه مستقل، آزاد و دموکراتیک بردارند. آن چیزی که مهم است مضمون برنامه پیشتاز است و من در این قسمت صحبت‌م که خیلی طولانی شد به مضمون تحولات آینده اشاره می کنم. به نظر من و به نظر سازمان ما هر تحولی در آینده ایران باید سه مسأله را حل کند. این سه مسأله که اساسی‌ترین مضمون برنامه حداقل ما است، دموکراتیزم، سکولاریزم و تامین اجتماعی است.

وقتی از دموکراتیزم صحبت می کنم منظورم گسترده‌ترین آزادیها، پلورالیسم سیاسی، آزادی تشکلهای سیاسی، آزادی بی قید و شرط تشکلهای کارگری و اجتماعی، کنترل، نظارت و بازرسی از طریق تشکلهای اجتماعی توده ای و رسانه‌ها بر

از نظر ما به علت ذات و ماهیت این حکومت و به علت این که این رژیم به هیچ یک از یرنسیبهای شناخته شده یک مبارزه سیاسی پایبند نیست، و هم چنین به علت سرکوب و تروریسم حاکم بر کشور، جمهوری اسلامی باید از طریق قهرآمیز سرنگون شود.

تولید و توزیع، و لغو تبعیض ملی، تبعیض مذهبی و تبعیض جنسی است. مسأله پلورالیسم سیاسی و برابری زن و مرد در این بخش جای خاصی دارد که در بخش دیگر حرف‌های بیشتر بدان می پردازم.

در مورد سکولاریزم هم روی این نکته می خواهم تاکید کنم که ما نه فقط معتقدیم که جامعه نمی تواند با یک دولت مذهبی در مسیر تحول و تکامل پیش رود بلکه هر شکلی از تلفیق دولت با هر ایدئولوژی، مذهب و مکتبی مسلماً پاسخ به شرایط کنونی نیست. قسمت سوم هم مسأله تامین اجتماعی است. ما در کشوری که هستیم بنا به خوشبینانه‌ترین ارزیابیها ۶۰ درصد مردم ما زیر خط فقر هستند. برای کشوری که مردم در شرایط بسیار سختی زندگی می کنند، هر برنامه‌ای، هر تحولی باید به تامین اجتماعی، به نیازهای اولیه مردم پاسخ بدهد. حق کار، بیمه‌های بیکاری، بیمه بهداشت و درمان، آموزش رایگان و همگانی از اولیه‌ترین خواسته‌های مردم است که باید به آن پاسخ داد. همان طور که گفتیم این طبعاً اساسی‌ترین خطوط برنامه حداقل ما است و هر کدام از اینها می توانند باز شوند به شیوه‌ها و طرق مختلف تقسیم شوند که در این فرصت کوتاه من وقت دوستان را نمی گیرم و فقط این نکته را تاکید می کنم که این خواسته‌ها و نیازهای مردم از طریق سرنگون کردن رژیم حاکم، استقرار یک دولت موقت که وظیفه اصلی اش برگزار نمودن انتخابات مجلس مؤسسان برای انتقال قدرت به مردم است میسر است و به نظر ما این امر از طریق شورای ملی مقاومت که ما هم عضو آن هستیم عملی می شود.

دیدگاه‌های ایدئولوژیک - سیاسی

قسمت دوم صحبت‌هایم مربوط به خطوط فکری و دیدگاه‌های ایدئولوژیک و سیاسی ماست. مسلماً مبارزه برای تحقق خواسته‌های مردم، با سرنگونی رژیم خاتمه نمی یابد. برای ما که چشم انداز یک جامعه سوسیالیستی و یک جهان عاری از ظلم و ستم

بقیه از صفحه ۷

بنابراین ما در مقابل انتخابهای متعدد و در یک شرایط معمولی قرار نداریم. یعنی در وضعیتی قرار نگرفته ایم که بتوانیم با مردمان تماس داشته باشیم، در شرایطی نیستیم که بتوانیم مطبوعات علنی داشته باشیم، در شرایطی نیستیم که بتوانیم در جامعه خودمان دفتر علنی داشته باشیم و فعالیت علنی کنیم. در شرایط بسیار سخت و سرنوشت سازی قرار گرفته ایم. یک جریان باید حذف شود. یا حکومت کنونی و یا جریان ترقیخواه و صلح طلب کشور ما. طبیعتاً ما وقتی در چنین شرایطی قرار داریم سؤال اساسی که از ما خواهند کرد این است که شما چه راه حلی دارید و چگونه به این اوضاع پاسخ می دهید. منطق سیاسی حکم می کند که مسائل، دسته بندی و مرحله بندی شود. بنابراین ما هم بر اساس این منطق، یک سیاست مرحله ای و یک سیاست استراتژیک، یک سیاست موقت و یک سیاست دائمی یا به بیان دیگر یک برنامه حداقل و یک برنامه حداکثر داریم. قبل از این که به این مسأله بپردازم، همان طور که گفتم از نظر ما حکومت کنونی مانع پیشرفت و تحول جامعه ایران است.

جمهوری اسلامی، نه فقط گروه‌های سیاسی، نه فقط جریانهای اجتماعی بلکه یکایک مردم را در مقابل انتخاب قرار داده است. مردم کشور ما طی این ۱۸ سال به تدریج و طی چندین سال گذشته در ابعاد گسترده پاسخ خودشان را داده اند. نمونه برجسته، جنبش مردم مشهد، جنبش مردم قزوین و جنبش مردم اسلام شهر در جنوب تهران بود. در سال گذشته یعنی در سال ۱۳۷۴ طبق آمارهای جمع آوری شده بیش از ۴۰ حرکت گسترده کارگری، چندین حرکت گسترده دانشجویی در کشور ما به وقوع پیوست و این نشان می دهد که مردم یک پاسخ مشخص دارند و خواستار آن هستند که این حکومت از سر راه تکامل جامعه برداشته شود. سؤال بعدی اینست که رژیم کنونی به چه شکلی باید تغییر کند؟ از نظر ما به علت ذات و ماهیت این حکومت و به علت این که این رژیم به هیچ یک از یرنسیبهای شناخته شده یک مبارزه سیاسی پایبند نیست، و هم چنین به علت سرکوب و تروریسم حاکم بر کشور، جمهوری اسلامی باید از طریق قهرآمیز سرنگون شود. بنابراین در پیوند جنبش اجتماعی مردم با مقاومت مسلحانه این رژیم باید سرنگون شود و سرنگون خواهد شد. اما مایلم بگویم که ما روی شکل تغییر حکومت تعصب نداریم اگر چه در این تردیدی نداریم که ولایت فقیه به هیچیک از معیارهای شناخته شده سیاسی در زمینه داخلی و بین المللی، پایبند نیست. اما تاکید می کنیم که اگر کسی راه حلی داشته باشد که نظام ولایت فقیه از طریق مسالمت آمیز تغییر بکند، ما مانع آن نخواهیم شد.

دموکراتیسم، سکولاریسم و تامین اجتماعی

سؤال اساسی بعد اینست که این حکومت چرا باید تغییر کند؟ شما حتماً شنیده اید که بسیاری چه از روی اعتقاد، چه از روی عدم شناخت و یا از روی منافعی که در حفظ وضعیت کنونی دارند، می گویند و خواهند گفت که اگر حکومت تغییر کند

جنبش پیشتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم

عمل در هر گام عملی برای امر برابری جنسی، به عنوان پیش شرط توسعه اقتصادی نگریسته و برای آن تقدم قائل شویم.

پیش شرطهای توسعه اقتصادی

هدف نهایی ما لغو استثمار در هر شکل آن است. این امر هسته اصلی و جوهر اندیشه های ماست. اما در همین جا باید تاکید کنم که همه اشکال گذشته که به نام سوسیالیسم، جامعه را به فقر و تباهی کشیده اند از نظر ما مردود است. همان طور که بارها گفته ایم، سوسیالیسم اشتراک در فقر نیست، سوسیالیسم تامین نیازمندیهای همگانی است. برنامه های احزاب کمونیستی سابق در زمینه اقتصادی بر دو اصل برنامه متمرکز و دولتی کردن متکی بود. امروز ما نه دولتی کردن آنها را تقدیس و نه از اقتصاد مبتنی بر بازار را تمجید می کنیم. ما امروز از شعارهای تو خالی و تعیین جزئی به جزء برنامه اقتصادی فاصله گرفته ایم. اگر کسی به فرض دولتی کردن را یک پارامتر مهم اقتصاد سوسیالیستی بداند باید مهمترین کشور سوسیالیستی از نظر اقتصادی را همین جمهوری اسلامی که در کشور ما حاکم است بداند. چون که ۸۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است، دو سوم بودجه صرف شرکتهای دولتی می شود. آن چه امروز ما می توانیم پیرامون آن صحبت کنیم اینست که یک برنامه اقتصادی برای حرکت به سوسیالیسم باید از چه اصولی تبعیت کند. ما به آن برنامه اقتصادی و طرح توسعه ای اعتقاد داریم که در عمل منافع اکثریت مردم را تامین و زندگی آنها را بهبود بخشد. بنابراین ما از آن طرح توسعه ای دفاع می کنیم که پایدار، همگون، مستمر و دموکراتیک باشد و برای این باید برنامه های اقتصادی در وسیعترین اشکال ممکن به بحث گذاشته شده و تشکلهای اجتماعی مردم در تدوین آن مداخله جدی داشته باشند. محروم کردن مردم از مداخله جدی در سرنوشت کشور به خاطر بهبود اتنی وضع اقتصادی آنان، فریبی بیش نیست. بنابراین یک برنامه توسعه اقتصادی برای ساختن یک جامعه سوسیالیستی باید در هر گام برای توسعه سیاسی و امر مداخله مردم تقدم قائل شود. از نظر ما محول کردن اموری مثل مداخله سیاسی مردم، بهبود محیط زیست، مبارزه علیه نظامی گری و... به پیشرفت اقتصادی و حل مسائل اقتصادی، نه فقط هیچ نتیجه پایداری در زندگی اقتصادی مردم ندارد. بلکه به همان سرنوشتی دچار می شود. که کشورهای "سوسیالیسم موجود" به آن دچار شدند. از طرف دیگر فقدان کنترل نظارت و بازرسی مردم، در عمل منجر به انباشت هر چه بیشتر اندوختگی و توسعه هر چه بیشتر اقتصاد بازار که نه بر اساس نیازمندیهای مردم، بلکه متکی بر سود و انباشت هر چه بیشتر سرمایه در دست عمده قلیلی، خواهد شد. در چنین نظامی بخشهای آموزش، بهداشت، تامین اجتماعی و کلیدی ترین بخشهای اقتصادی کشور نباید به بخش خصوصی واگذار شود. نیروی پایدار و تمام نشدنی مردم هستند که اگر آموزش نداشته باشند، بهداشت نداشته باشند نمی توانند کشور را بسازند. این یک واقعیت انکارناپذیر است که سرمایه اصلی یک کشور، مردمش هستند و مردمی که آموزش و بهداشت نداشته باشند نمی توانند یک جامعه را توسعه بدهند. نکته دیگر این که برنامه ریزی اقتصادی برای توسعه کشور ما به مثابه کشوری که گوناگونیهای مختلفی دارد، باید از نظر سیاسی و اداری بر یک نظام غیر متمرکز استوار باشد. جامعه سوسیالیستی، جامعه

بقیه در صفحه ۱۰

سابق، کپی برداری بکند و اساساً این شکلهای قدرت سیاسی، شکست خورده و منتهای غلطی بوده است. مهمترین نقص و یا انحراف آنها از نظر سیاسی این بود که قدرت واقعی در دست مردم نبود. به نام "قدرت شوراها" حکومت توسط یک عده افراد خاص و محدود اداره می شد. چنین حکومتی نمی تواند یک حکومت آزاد، پیشرفته و حکومتی برای مردم و در جهت منافع اکثریت مردم باشد. گفته اند که دموکراسی یعنی حکومت اکثریت. باید تاکید کنم که بدون وجود اقلیتها که برای اکثریت شدن مبارزه می کنند و بدون به رسمیت شناختن حق اقلیتها برای اکثریت شدن و تبدیل شدن به نیروی در قدرت، نمی توان صحبت از یک حکومت دموکراتیک و مردمی با هر نامی که نامیده شود کرد. اگر کسی از من سؤال کند که از نظر سیاسی یک جامعه مفروض سوسیالیستی چه خصوصیاتی دارد اول به این توجه می کنم که تعداد احزاب این جامعه چقدر است. و چگونه با مناقشات مربوط به پلورالیسم سیاسی و پلورالیسم اجتماعی و نظارت توده های مردم برخورد می شود؟ یک حکومت سوسیالیستی، یک جامعه سوسیالیستی و کمونیستی نمی تواند، جامعه ای و حکومتی پلورالیستی نباشد. بنابراین از نظر ما نه فقط پلورالیسم سیاسی بلکه در یک جامعه سوسیالیستی باید پلورالیسم اجتماعی به معنی وجود تشکلهای اجتماعی مثل سندیکا و شوراهای کارگری و مردمی، وجود داشته باشد که مسأله نظارت، کنترل و بازرسی تمام ارکان جامعه و منجمله تولید و توزیع را به عهده بگیرند. در مقابل این دیدگاه ما، دو برخورد انحرافی وجود دارد. عده ای با آیه پردازی و برخوردهای دگماتیستی، بر این اعتقادند که علت شکستهای قبلی، کمبود اعمال "دیکتاتوری" بوده است. اینان یک قلم تمام دستاوردهای جامعه بشری و منجمله دموکراسیهای موجود در جوامع غربی را، بدون این که چیزی بالاتر از آن ارائه دهند را تحت عنوان دموکراسی بورژوازی رد می کنند. عده ای دیگر هم هستند که از شکست به جای آن که درسی در جهت توسعه خلاق اندیشه های کمونیستی بگیرند، منکوب آن شده اند. رویاهای آنها فرو ریخته و نادم و تسلیم شده اند. شعار اینان، زنده باد وضع موجود است. ما با این دو دیدگاه مرزبندی و اختلاف اساسی داریم. جا دارد در این جا و در همین حوزه بحث قدرت سیاسی، به یک مسأله مهم پایان این قرن و آن گونه که بسیاری می گویند، مسأله اصلی قرن آینده، یعنی مسأله زنان بپردازیم. این موضوع همان طور که شما هم در جریان هستید، نقطه ضعف دموکراسیهای موجود در جهان غرب است و بسیاری از این دموکراسیها را به چالش کشیده است. اگر ده سال قبل به کسی می گفتند، عده ای در فرانسه پیدا شده اند که می گویند فرانسه یک کشور کاملاً دموکراتیک نیست، کاملاً تعجب می کردند. امروز اما ده زن از گروهبندیهای مختلف سیاسی، طی یک بیانیه، اعلام کرده اند که زنان، در این کشور نقشی در اداره آن ندارند و بنابراین نمی توانند یک جامعه دموکراتیک باشند. منظور من از اشاره به این مطلب این بود که بگویم بدون شرکت جدی زنان در حیات سیاسی و در اداره امور کشور، نمی توان از دموکراتیک بودن یک کشور و حکومت صحبت کرد. محول کردن امر برابری جنسی به پیشرفت اقتصادی و مبارزه طبقاتی و تحقق عدالت اجتماعی و ساختمان جامعه سوسیالیستی همانقدر انحرافی است که کسانی بخواهند بدون مبارزه برای عدالت و پیشرفت، به امر برابری جنسی تحقق بخشند. با این حال ما باید بر خلاف مارکسیستهای سنت گرا، در این مورد و در

بقیه از صفحه ۸

مطلق گرایی و تحجر بزرگترین مانع تکامل یک اندیشه است. این امر باید در برنامه ما، در رفتار ما، در ایده های ما انعکاس یابد و خودش را در زندگی مبارزاتی ما نشان دهد. دومین نکته اینست که تئوری و اندیشه ما نباید با علم و دستاوردهای علمی در تضاد، تناقض و ستیز باشد. این حرف شاید خیلی ساده به نظر برسد ولی عدم توجه به این امر زیانهای زیادی به جنبش جهانی سوسیالیستی زده است. به طور مثال، در زمان استالین تئوریسینهای مهمی به این نتیجه رسیدند که بعضی از فرمولهای ماتریالیسم تاریخی جهان شمول نیست. تا آن موقع مارکسیستها اعتقاد داشتند که در سراسر جهان اول کمون اولیه وجود داشته، بعد برده داری و سپس فئودالیسم و بعد از آن هم سرمایه داری به وجود آمده است. این تئوریسینها می گفتند که این تئوری در بعضی نقاط درست و در بعضی نقاط دیگر غلط است و اساساً یک تئوری عام نیست. وقتی که این موضوع به کمیته مرکزی حزب رسید، او گفت که تمام این حرفها باید بایگانی شود. استالین اعلام کرد که این تئوریهای مخرب است و کتابی به نام "ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی" در رد حرفهای این اندیشمندان نوشت. منظورم اینست که وقتی ما می گویم تئوری نباید با علم در تضاد باشد، شاید در ابتدا بگویند که این حرف مهمی نیست ولی در گذشته بسیاری از موارد پیش آمده که جنبشهای سوسیالیستی حرفها و اندیشه هایشان با تئوریهای علمی در تناقض بوده و آنها نخواسته اند خودشان را با اندیشه های علمی و با پیشرفتهای بشری تطابق بدهند. اندیشه های ما، تئوریهای ما باید در انطباق با انقلاب علمی و فنی و در هماهنگی کامل با روند تکامل علم و جامعه بشری، بازسازی شوند.

نکته سوم این که یک تئوری و منجمله اندیشه ما باید از ابتدا بدانند که حتماً ناتوانیها، محدودیتها، چالشها، ضعفها و تنگناهایی خواهد داشت. مسلماً در این جهان بسیار پیچیده، تمام حقایق پیش ما نخواهد بود و درک تمام حقایق در یک شرایط مشخص از عهده ما به تنهایی بر نمی آید. نسبی بودن قضایا، نسبی بودن حقایق و مهمتر از همه نسبی بودن درک ما، ما را به این سمت می برد که باید در زندگی سیاسی و حزبی در زمینه اندیشه نیز پلورالیسم و به تبع آن مدارا، نقد و پژوهش را بپذیریم و نکته چهارم این که تئوری، اندیشه و ایده های ما نمی توانند پیش رود مگر این که رادیکال باشد. وقتی که می گویم رادیکال باشد یعنی این که با تمام مسائل برخورد ریشه ای، علمی و واقعی بکند. این چنین تئوریهایی با این خصوصیاتی که گفتیم، می تواند به میان مردم برود و به قول مارکس به نیروی مادی تبدیل شود. و ما با اعتقاد به اندیشه هایی که دارای چنین خصوصیاتی باشد، می توانیم خود را در یک دنیای تنگ و محدود محاصره نکنیم. وقتی ما مسلح به اندیشه های خلاق و غیر متحجر باشیم، ضعفهای خود را به حساب مارکس به عنوان یک اندیشمند بزرگ تاریخ بشری و یک رهبر بزرگ جنبش کارگری نمی گذاریم و در مواقع شکست برای توجیه خود، زمین و زمان را به هم نمی دوزیم.

شکل گیری قدرت سیاسی

از نظر سیاسی جامعه مورد نظرمان باید چگونه باشد. مسلماً نمی تواند از کشورهای سوسیالیستی

جنبش پیشتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم

بقیه از صفحه ۹

ایست که نقش دولت هر روز ضعیف تر شود. وقتی از ضعیف شدن نقش دولت صحبت می کنیم، مسلماً منظورمان آن گونه که طرفداران اقتصاد لیبرال مورد نظرشان می باشد، نیست. منظور دقیقاً توسعه قدرت اجتماعی مردم است که تحت آن شرایط امکان برنامه ریزی همه جانبه، دموکراتیک و متمرکز متحقق می شود. و بالاخره آن که یک برنامه اقتصادی برای توسعه پایدار و دموکراتیک کشور باید به منابع ملی به مثابه دارائیهای مردم و کشور بنگرد و بنابراین باید برای بهبود محیط زیست به طور جدی برنامه ریزی کند.

سیاست خارجی

اگر دموکراسی و توسعه سیاسی و اجتماعی، پیش شرط داخلی برای توسعه اقتصادی است، یک سیاست خارجی درست، شرایط بیرونی تحول اقتصادی را مهیا می کند. تمامی دولتها، هنگامی که به امر برنامه ریزی می پردازند، به دو سؤال اساسی یعنی "منافع ملی" و "امنیت ملی" پاسخ می گویند. شما می دانید که امروز خیلی ها می گویند که نباید به رژیم ایران زیاد فشار آورد، زیرا اگر این رژیم ضعیف شود، کشور تجزیه می شود. این حرف برای کسانی که از ماهیت واقعی این ادعای واهی بی خبرند، جاذبه دارد. چون به هر حال تجربه یوگسلاوی، تجربه مثبتی نیست. من اکنون به این نمی پردازم که هدف اصلی کسانی که این ادعا را مطرح می کنند چیست؟ اما نتیجه عملی ادعای این افراد روشن است. حفظ وضع و حکومت موجود در ایران. من در مقابل این افراد که این گونه سنگ رژیم را به سینه می زنند، این سؤال را مطرح می کنم که اگر شما واقعا دلتان برای تجزیه کشور می سوزد، آیا حکومت کنونی ایران، کشور را واقعا تجزیه نکرده است، کشوری که نیمی از منابع نفت آن غیر قابل استفاده است، کشوری که از نظر فرسایش خاک در ردیف اول در جهان است، کشوری که نیمی از جنگلهای آن از بین رفته، کشوری که مردم آن را با آپارتاید جنسی و مذهبی تجزیه و از هم جدا کرده اند. و دهها مورد دیگر، آیا این کشور به علت حکومت کنونی واقعا تجزیه نشده است؟ به هر حال کسانی که ادعای خطر تجزیه کشور را مطرح می کنند، منافع ملی ایران را در وجود رژیم ولایت فقیه و امنیت ملی کشور ما را به وسیله این رژیم قابل تحقق می دانند، از نظر رژیم سلطنتی گذشته و رژیم آخوندی کنونی، امنیت ملی و منافع ملی کشور ما از طریق یک سیاست خارجی متکی بر نظامی گری، مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و منجمله کشورهای همسایه، تلاش برای کسب هژمونی در منطقه قابل تأمین ارزیابی می شد. این منافع ملی و امنیت ملی البته هیچ ارتباطی با منافع ملی و امنیت ملی مردم ایران نداشته و تنها منافع و امنیت حکومتهای جبار و ستمگر شاه و شیخ را تأمین کرده است. توسعه نظامی گری، تحریک خصلتهای برتری جویانه و تقویت روحیات تجاوزگرا تحت عنوان دفاع از "آزادی"، "اسلام"، "ملت"، "سوسیالیسم" یا هر عنوان دیگری، سیاستی ارتجاعی و علیه پیشرفت و سعادت بشر است.

ما در زمینه سیاست خارجی با هر نوع سیاست نظامی گری و هر نوع سیاست سلطه جویی و هر نوع سیاست توسعه طلبی به هر شکل، چه تحت عنوان

سخنرانی رفیق مارسل هج در گردهمایی ونکوور

از این که شما را در این جا می بینم خوشحالم و با عرض معذرت از این که نمی توانم به زبان فارسی صحبت کنم. از سوی سازمان سوسیالیست آزاد و سازمان خاورش (زنان رادیکال) افتخار دارم که این پیام را به فعالین اجتماعی و انقلابیون در این گردهمایی، تقدیم کنم. ما همیشه این شانس را نداریم که پیرامون ایده های مرکزی تداوم انقلاب در ایران با تئوریسینها و سازمانهای رهبری کننده به مناظره و مباحثه بپردازیم. این قرن مثالهای فراوانی از مبارزه دائمی کارگران و سرکوب شدگان، در جهت کنترل سرنوشت خودشان دارد و این ماه (ماه اکتبر) مهمترین آنها قلمداد می شود.

۷۹ سال قبل، کارگران، دهقانان، زنان و سربازان روسی تحت فرماندهی لنین و تروتسکی قدرت را در کشور شوروا به دست گرفتند. و جهان از آن به بعد بر یک منوال به پیش نرفته است.

جدا از انحرافات که استالین به روسیه تحمیل کرد و شکستهای انقلاب در کشورهای دیگر به دلیل خیانتهای استالینیستی، روسیه نمونه این مثال باقی ماند که امکان این وجود دارد که قدرت را از سرمایه داری تصاحب کرد و آن را حفظ نمود. حال که اتحاد جماهیر وجود ندارد و فقط کوبا باقی مانده، خوشبختانه انقلابات جدید پدیدار و یک نمونه و الگو برای کارگران خواهد شد که از آن پیروی نمایند. این اتفاق خواهد افتاد. زیرا انسانیتان به عنوان یک اصل ما را به جلو خواهد برد. و "من باور دارم که انقلاب کبیر آینده در ایران خواهد بود". مخصوصاً که ایران برای انقلاب مناسب ترین است. زیرا مردمش صدها سال علیه استبداد جنگیده اند و برای تحقق سوسیالیسم قرنهای آمل و آرزو داشته اند. فقط ۱۷ سال پیش بود که ایرانیان سلطه ابدی شاه را که توسط ایالات متحده، سازمان جاسوسی CIA و نیروی نظامی اش پشتیبانی می شد، واژگون کردند.

دفاع از انقلاب، چه تحت عنوان دفاع از آزادی و چه تحت عنوان دفاع از "اسلام"، "ملت" و "سوسیالیسم" و یا هر عنوان دیگر مخالفیم. ما سیاست توسعه طلبی و نظامیگری را یک سیاست ارتجاعی می دانیم و معتقدیم که یکی از دلایل مهمی که "سوسیالیسم موجود" در اتحاد جماهیر شوروی سابق را به شکست کشاند، توسعه طلبی مداوم و نظامیگری حاد این کشور بود. بنابراین تأمین "امنیت ملی" و "منافع ملی" از زاویه منافع مردم ایران در تناقض با هر سیاستی است که نظامی گری، هژمونی طلبی و توسعه طلبی را مبنای سیاست خارجی خود قرار دهد. رژیم حاکم بر کشور ما که سیاست توسعه جمهوریهای اسلامی را در دستور کارش قرار داده و هر جا که بتواند پایه های آن را به وجود می آورد و برای کسب قدرت و ایجاد اتحاد جماهیر کشورهای اسلامی تلاش می کند. جمهوری اسلامی آن چنان که بنیانگذار این رژیم و ادامه دهندگان امروزی راه او مدعی هستند نمی تواند در یک اکولوژی مسالمت آمیز به حیات خود ادامه دهد. آنتی تزی این سیاست دفاع از صلح و همزیستی مسالمت آمیز، مبارزه علیه هر نوع نظامیگری و هر نوع سلطه طلبی و دفاع از مبارزه مردم جهان برای صلح، پیشرفت، ترقی و برابری است. وقت من تمام شده است و همان طور که در ابتدا گفتم به علت کمبود وقت مجبورم به طور فشرده و

قیام زلزله آسای توده های ایران، بارقه های امید را در دل کارگران جهان به وجود آورد که انقلاب بعدی در مسیر کمون روسیه در سال ۱۹۱۷ خواهد بود و جهان را به سوی یک دوران جدید سوسیالیسم عدالت طلب رهبری خواهد کرد.

متأسفانه نیروهای محدودی از چپ ایران که به دلیل بی تجربگی، در مورد دولت سوسیالیستی جدی نبودند از خیانتهای نیروهای چپی که هنوز به قدرت کارگران ایمان نداشتند، زجر کشیدند و نتیجه غم انگیز آن پیروزی ارتجاع و ملایان سفاک و رژیم فاشیست - آپارتاید جنسی بود. اما این موقتی و زودگذر است. این حرکت مهم و اصولی سازمان چریکهای فدایی خلق نمایانگر این است که صلابت انقلابی چیزی نیست که به آسانی نابود شود و این که جنگجویان مضم، روز به روز با زمان، مطالعه و تجربه ترقی خواهند کرد.

برنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، روی سخنش با تمامی سرکوب شدگان است. ارزشهای آنان یعنی برابری، شأن و منزلت و آزادی برای جملگی زنان، همجنس گرایان و اقلیتهای ملی و قومی، با برنامه بلشویکها در سال ۱۹۱۷. سازمان سوسیالیست آزاد و زنان رادیکال یکسان و برابر است.

ایده ها، پرنسیپها و متدهای غیر سکتاریستی مبارزه که توسط سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اتخاذ می شود، نه تنها توده های ایران بلکه کارگران را در جای جای جهان تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می دهد. بنابراین در آستانه هفتاد و نهمین سالگرد قیام کبیر روسیه و هفدهمین سال انقلاب ایران، عمیقاً این اطمینان به انسان داده می شود که ایده های انقلابی در سازمانهایی مانند سازمان چریکهای فدایی خلق تجلی می یابد.

ما دست در دست هم و با اتحاد پرولتاریایی می توانیم در جهت تحقق انقلاب در ایران، کانادا و سراسر جهان پیش برویم و انتخاب دیگری نداریم.

رفقا متشکرم
۲۰ اکتبر سال ۱۹۹۶

تیتروار به رئیس کلی دیدگاههای جنبش پیشتاز فدایی بپردازم و در پایان لازم است اضافه کنم که این برنامه ها نمی تواند تحقق یابد، مگر آن که ما و یا هر نیروی دیگری که ادعاهایی مثل ما را داشته باشد بتواند به سازمانیابی نیروهای اجتماعی بپردازد که مدافع سوسیالیسم هستند. از نظر من تمام کسانی که از طریق فروش نیروی کار یدی یا فکری خود و دریافت مزد در مقابل آن زندگی می کنند، مستقل از این که سطح زندگیشان چگونه باشد. کارگران و زحمتکشان را تشکیل می دهند و ما در جبهه صلح و ترقی نباید بتوانیم به سازماندهی این نیروها بپردازیم. در پایان همچنین از آن دسته از مارکسیستها که با برنامه ما که برای ساختن یک ایران مستقل، پیشرفته، دموکراتیک و سوسیالیستی که مردم بتوانند در سرنوشت خودشان دخالت داشته باشند. تدوین شده است، موافقت دارند، دعوت می کنم که به صفوف سازمان ما بپیوندند. ما باید با هم جهانی خلع سلاح شده، جهانی عاری از سلطه طلبی و سلطه پذیری، جهانی عاری از ستم و استثمار بسازیم. برای ساختن چنین جهانی وظیفه هر انقلابی جدی و مسئول در ایران آنست که ایرانی دموکراتیک، مستقل و صلح طلب را بسازد. آرزو می کنم که ما چنین ایرانی را به زودی ببینیم. تشکر می کنم.

در باره مقاله کمبودها

--- منوچهر هزارخانی

دوست گرامی خانم میرهاشمی،
از من پرسیده اید که در مورد مقاله "کمبودها"
به قلم علی ناظر در نبرد خلق شماره ۱۳۷ - که
ضمن آن نقل قولهایی از من شده است - حرفی اگر
دارم بزنم. راستش نه، حرف چندانی ندارم.
برداشت‌های یکی از طرفداران مقاومت است از
حرفهای یکی دیگر از هواداران مقاومت، به اضافه
اظهار نظرها و نتیجه‌گیریهایی که با بسیاری از آنها
من نمی‌توانم موافق باشم.

اما حالا که فرصت توضیح به من داده اید،
اجازه بدهید دو سه نکته را در مورد حرفی که راجع
به "کمبود"های خودمان زده‌ام، یادآوری کنم:

۱- اگر منظور از کمبود، کمبود در زمینه آرمانی
است، نه، با پذیرش آرمانهای آزادی، استقلال و
نیز پایداری به دموکراسی، من گمان نمی‌کنم در این
مرحله تاریخی کمبودی داشته باشیم.

۲- اگر منظور از این کمبود، اشتباه در تشخیص
"دشمن اصلی" است، باز نه، ما رژیم حاکم بر
میهنمان را دشمن اصلی مردم ایران می‌دانیم و در این
زمینه اشتباه نمی‌کنیم. به همین دلیل هم تضادمان با
رژیم هیچ وقت تحت الشعاع هیچ تضاد دیگری قرار
نمی‌گیرد.

۳- اگر منظور از کمبود، اشتباه در مشی مبارزه
است، باز هم نه، ما اشتباه نکرده ایم و نمی‌کنیم که
مبارزه مسلحانه را تنها راه موثر برای برخورد با رژیم
حاکم می‌دانیم. این راه را هم - هم چنان که بارها
گفته ایم و باز هم تکرار خواهیم کرد- دشمن به ما
تحمیل کرده است.

۴- اگر منظور از کمبود هیچ کدام از موارد بالا
نیست، بلکه کمبود در زمینه‌های گوناگونی است که
آقای ناظر بر پیاری از آنها در مقاله اش انگشت
گذاشته است. آری، کمبود زیاد داریم (در تجربه،
در نحوه برخورد و رفتار، چه با خودی چه با غیر
خودی. در انتخاب تاکتیکهای روزمره، در نحوه
عرضه مسائل و...) که جبرانشان هم کار آسانی
نیست. چون به ریشه‌های فرهنگی ما ایرانیها ربط
پیدا می‌کند. پس منظورم این نیست که این نوع
کمبودها، چون در ردیف آخر از آنها نام بردم،
کمبودهای بی‌اهمیتی هستند. به هیچ وجه. فقط
خواستم موضوعها را از هم تفکیک کنم تا بتوانم، باز
به طور مختصر، یادآوری کنم که به نظر من:

- موضوع یادآوری شده در شماره ۱ همان عاملی
است که باعث شده است مقاومت ایران از نظر
محافل استعماری تصویر دلپسندی نداشته باشد.

- در شماره ۲ موضوع تضاد آشتی‌ناپذیر رژیم -
مقاومت مطرح است و معلوم می‌کند که چرا رژیم
حتی یک آن از فکر ضربه زدن به مقاومت برای از
بین بردنش غافل نیست و از هر وسیله‌ای برای
رسیدن به این هدف استفاده می‌کند.

- در شماره ۳، موضوع اختلاف مقاومت با
گروه‌بندیهای دیگری که خود را اپوزیسیون رژیم
حاکم می‌دانند، مطرح است. از توهم معروف و پر
مشتری "استحاله‌پذیری رژیم" بگیر تا توهم
سرنوشتی رژیم از طریق مسالمت‌آمیز!

- اما در شماره ۴ مجموعه مسائل و مشکلات و
کمبودهای درون مقاومت مطرح است که البته حائز
نهایت اهمیت هم هست، منتها دیگر موضوع
بحثهای داخلی است، نه مرزبندی با دیگران.

به هیچ وجه ادعا ندارم که این تفکیک صد
صد درست است و هیچ‌گونه تداخلی بین آنها وجود
ندارد. چرا، اتفاقاً تداخل هم دارند. منتها برای
روشن کردن مطلب و در نتیجه، دقیق کردن بحث،
این تفکیک به نظر من بی‌فایده نیست.

با آرزوی موفقیت برای شما - منوچهر هزارخانی

طرح "شوینیسیم زنانه"، دیدگاهی راست در جنبش زنان

--- سعید کیوان

طور رسمی و غیر رسمی این حرکتها و جنبشها را
انحرافی ارزیابی می‌کردند باشد اما مهمترین عامل
دستگاه سیستماتیک تبلیغات سرمایه داری و یا
حکومت‌های ارتجاعی علیه این جنبشها، بخصوص
جنبشهای سوسیال فمینیستی است که سعی دارند
کل جنبشهای برابری طلبانه فمینیستی را نوعی
شوینیسیم زنانه نمایش دهند و جامعه را از آن
بترسانند. در این مسیر گاه بسیاری از زنان تحت
تأثیر این گونه تزویرها به این باور می‌رسند که
بایستی خود را در صف بندی خطی- به میانه
بکشانند، مبادا که مارک شوینیسیم بر آنان گذاشته
شود. در صورتی که این موضع کاملاً راست است و
بی‌شک در خدمت منافع مردان در جوامع
مردسالارانه قرار می‌گیرد. مواضع اتخاذ شده توسط
زنان در جنبشهای فمینیستی دارای اهمیت خاصی
است. زنان باید توجه داشته باشند که در تاکتیکها
هم اصولاً همیشه در میانه قرار گرفتن صرفاً موقعیت
خوبی نیست. زنان سالها سانتیمتر به سانتیمتر
جنگیده اند و پیشروی کرده اند تا شرایط را برای
پیشروهای بزرگتر آماده کنند. عدم روحیه تعرض و
یا ملایمت و نرمش نشان دادن در مقابل تبعیض
جنسی خواست و هدف سیستمهای مرد سالارانه
است. این سیستمها یا حکومتها می‌توانند ارتجاع
خمینی یا طالبان باشد و یا سیستمهای به مراتب
پیشرفته تر. در غرب به ظاهر این طور وانمود
می‌شود که زنان نیز هم چون گروههای نژادی،
قومی و یا خارجی یک اقلیت هستند. بنابراین سهمی
خاص برای این اقلیتها در نظر گرفته می‌شود. حال
بگذریم که بسیاری از همین دستاوردها هم در حال
حاضر توسط جناحهای راست به زیر ضرب رفته و
در حال لغو شدن است و حفظ همان دستاوردها از
وظایف جنبشهای زنان به شمار می‌رود. اما در
دیدگاه خود زنان می‌باید تمایزی بین نیمی از جامعه
بودن و اقلیت بودن وجود داشته باشد. بنابراین
تبعیض مثبت نه یک تبعیض جنسی بلکه حرکتی
است به سوی تساوی کامل. این تساوی حقوق را
سیستمهای پیشرفته موجود به زنان به عنوان نیمی از
جامعه نمی‌دهند بلکه زنان باید با تعرضهای خود در
یک نبرد خستگی‌ناپذیر آن را به چنگ آورند. در
این میان تهدید، شوینیسیم زنانه نیست بلکه شوینیسیم
مردانه است که هزاران سال در شکل‌های متفاوت
فرمانروایی می‌کنند. مثالی که در این مورد می‌توان
آورد وضعیت رژیم، اپوزیسیون و جامعه ایران است.
این رژیم هم چون سدی در برابر پیشرفتهای
اجتماعی، عدالت، دموکراسی، سکولاریسم، برابری
زنان و جامعه مدنی متعارف و در نهایت سوسیالیسم
ایستاده است. اپوزیسیون جنسی و الیترانیوی
دموکراتیک خواهان سرنوشتی رژیم در تمامیتش است.
در این میان برخی افراد و جریان‌ها مردم را از تحول
و سرنوشتی رژیم می‌ترسانند که اگر چنین شود ایران
تجزیه خواهد شد یا جنگ داخلی به راه می‌افتد و
یا جامعه مدنی از هم می‌پاشد. حتی گاهی این
هجویت با نام کمونیسیم و کارگر ارائه می‌شوند. آیا
به راستی تهدید برای مردم ایران تحول و سرنوشتی
رژیم است یا حفظ این رژیم؟

بنابراین در جنبش زنان هم طرح نظرگاههای
راست مردانه پسند ضربه‌ای جنسی از درون به این
جنبشها است. به جای این که زنان به دنبال عناصر
خودی و ستون پنجم در درون قلعه‌های پوسیده
ارتجاع و سیستمهای مردسالارانه بگردند و از آنها
استفاده کنند خود نباید با طرح شوینیسیم زنانه نقش
عناصر "خودی" را برای جبهه مقابل ایفا کنند و از
درون به این جنبشها ضربه وارد سازند.

از هنگامی که جنبشهای برابری طلبانه زنان در
اوایل این قرن آغاز شد، کمتر کسی آن را جدی
می‌گرفت. بخصوص مردان که در تمامی قشرها،
طبقات و درجات اجتماعی به این جنبشها به دیده
شوخی می‌نگریستند و این گونه "شیطنتها" را
خنده اور تلقی می‌کردند. اساساً جنبش فمینیستی که
بسیاری از مارکسیستهای دو آتشه و تنها "طبقه نگر"
آن را به عنوان حرکات بچه‌گانه و از روی تفتن
ارزیابی می‌کردند در ساده‌ترین تعریف پاسخی به
نیازهای واقعی زنان بود که به منظور احقاق برابری
کامل زن با مرد به وجود آمد. تعبیرها و تفسیرهای
مختلفی در طول زمان از این جنبشها به عمل آمد که
آنها را به اشکال مختلفی معرفی می‌کرد. گاه حتی
به این حرکتها برابری طلبانه مارک شوینیسیتی
زنانه زده می‌شد. بدین معنا که این زنان می‌خواهند
در شکل تبعیض جنسی برتری خود را نسبت به
مردان اثبات کنند. در صورتی که این تمایلات در
کل صف بندی جنبشهای فمینیستی بسیار ناچیز و
نادر بوده و هست. به طور کلی جنبشهای فمینیستی
در سیر تکاملی خود در دو صف بندی مجزا به پیش
رفت. این دو عبارتند از:

۱- جنبشهای سوسیال فمینیستی ۲- جنبشهای
بورژوا فمینیستی.

۱- جنبشهای سوسیال فمینیستی از آن جا پا به
عرصه وجود گذاشت که خود را اولاً هم چون مردان
اجتماع مقهور نظام سرمایه داری می‌دید و ثانیاً خود
را در مبارزه با این سیستم در حرکتها و جنبشهای
آزادبخش توسط مردان کنار گذاشته شده می‌یافت.
یعنی زنان به وجود آورنده این جنبشها از یک سو
فشارهای روابط سرمایه داری در کشورهای پیشرفته را
بر خود به تمامی حس می‌کردند و از سوی دیگر به
طور جدی اجازه ورود برای شرکت در مبارزه برای
رهایی از همپالگیهای مرد که خود نیز تحت سیستم
سرمایه داری استعمار می‌شدند را نمی‌یافتند و عملاً
خارج از مبارزات طبقاتی و انقلابی تنها گذاشته
می‌شدند. بنابراین به ویژه از زمانی که زنان به
صورت نیروی کار عظیم وارد بازارهای کار شدند
خود آستینها را بالا زدند و جنبشهای مساوات طلبانه
متعلق به خودشان را ایجاد کردند که هدف اصلی
آنها احقاق برابری و عدالت و در کنار آن جلوگیری
از تعرض مردان به حقوقشان بود.

۲- جنبشهای بورژوا فمینیستی بر اساس
خواستهای اندک از سوی زنانی که بیشتر در
قشرهای بالایی جامعه قرار داشتند، به وجود آمد.
این اعتراضات و حرکتها به هیچ وجه انتقادی به
روابط و مناسبات تولید در این جوامع نداشتند و
حداکثر خواستهای آنها بر مبنای شرکت زنان در
مقامهای ریاست شرکتها و کمپانیها و یا دستیابی به
پستهایی که در ساختارهای جامعه شکل می‌گرفت،
بودند. این جنبشها نیز در کلیت با شعار برابری
جنسی پا به عرصه ظهور گذاشت که در صف بندی
ترقی و ارتجاع، نقش متری داشتند. اما گروههایی
نیز در این میان خواستار برتری زنان بر مردان شدند
که خود بخش کوچکی از جنبش بورژوا فمینیستی را
تشکیل می‌داد که به نوبه خود محصول مستقیم
جامعه سرمایه داری بوده و هست.

از دیدگاه ما ایرانیان کلمه فمینیسم کمی ثقیل و
عجیب و ترساننده است. گویی که این واژه به مفهوم
تبعیض جنسی زنان بر مردان است. البته عواملی هم
سهوا یا عمداً به این سوء تفاهم کمک می‌کنند. این
عوامل می‌توانند ناشی از منافع مردانه در تمامی
قشرها، طبقات و سازمانهای سیاسی باشند و یا
می‌تواند در جنبش چپ ناشی از دیدگاه عقب‌مانده
"احزاب برادر" نسبت به جنبشهای فمینیستی که به

چرا سوسیالیسم؟

— رامین کیوانشکوه

اساس از نظر قدرت اقتصادی در مقابل رقیب خود شکست خورد و نتوانست نیازهای مردم جوامع خود را پاسخگو باشد و در کنار فقدان دموکراسی و رعایت حقوق دموکراتیک توده ها موجب جدایی مردم از نظام شد و به جای دموکراسی سوسیالیستی، استبداد و بوروکراسی جایگزین شد، نیز موجب انحراف در مسیر انقلاب شد. ولی علیرغم این انحراف کلی در نظام، تا قبل از فروپاشی شوروی و بلوک شرق و از بین رفتن اردوگاه، در کشورهای تحت حاکمیت سوسیالیسم، علیرغم پایین بودن سطح رفاه نسبت به کشورهای دیگر، نشانی از اعتیاد، فحشاء، بیسوادی، بیکاری، نبود مسکن، فقر و گرسنگی و سایر معضلات موجود در نظام سرمایه داری نبود، حال آن که بعد از فروپاشی و به دنبال نفوذ سرمایه داری، تمامی این ناهنجاریهای اجتماعی وجود یافتند و رو به افزایش نیز می باشند. در نظام سوسیالیستی، کارگر نیروی کار خود را در اختیار کارفرما قرار نمی دهد بلکه آن را در اختیار نظام قرار می دهد و در مقابل، تامین می شود. در نظام سوسیالیستی کارگران مورد استثمار سرمایه قرار نمی گیرند، بلکه طبق آن چه قبلاً گفته شد قدرت متعلق به آنان خواهد بود، تضاد بین طبقات مختلف وجود ندارد و تضاد فرعی یعنی تضاد بین حکومت و توده نیز حل می شود چرا که حکومت اساساً جدا از توده نیست و این طبقه کارگر است که حکومت را در دست دارد. در سایه یک نظام سوسیالیستی و در حد نهایی آن کمونیستی، تضاد اصلی دنیا یعنی تضاد بین سرمایه و کار و کارگر از بین می رود، دیگر نیازی به لشکرکشی و استعمار کشورهای دیگر و عقب نشاندن بخش عظیمی از جهان نخواهد بود. ممکن است تصور شود که در نظام سوسیالیستی نشانی از دموکراسی نبوده و نیست بدین دلیل که مظهر سوسیالیسم، اتحاد شوروی سابق بوده و در شوروی به دلیل جو حاکم، خبری از دموکراسی نبوده است. اما باید عنوان شود که اتحاد شوروی اگر چه اردوگاه سوسیالیسم بوده ولی به دلایل مذکور و در کل، انحراف کلی در انقلاب و پیاده نشدن مبانی تئوریک و ایدئولوژیک نظام سوسیالیستی و این حقیقت که احزاب کمونیست حاکم بر این کشورها توانایی پاسخ گویی به نیازهای روزافزون مردم را نداشتند و همچنین به این دلیل که مثلاً در کشورهای بلوک شرق که قدرت از طریق نیروی ارتش سرخ و نه از طریق انقلابات مردمی به کمونیستها رسید و به همین دلیل جهت حفظ قدرت به شیوه های غیر دموکراتیک نتشلس شدند و این ضد ارزشها در درون نظام حاصل شدند. از جمله محاسن و مزایای این نظام می توان بر قدرت تطبیق این نظام با شرایط روز و یا مدرنیسم که حاصل جهان بینی موجود و ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم است تاکید کرد. یعنی اگر این نظام کاملاً مبتنی بر اصول اساسی اش پیاده شود تنها راه حل نهایی جهت اداره جهان خواهد بود، نظامی مبتنی بر اصول اساسی و ایدئولوژیکی خود و هم چنین مبتنی بر اصول انسانی. طبق نتایج مستخرج از بیستمین کنگره بین الملل سوسیالیست در سازمان ملل و هم چنین توسعه بین الملل سوسیالیسم، نظام سوسیالیستی هم چنان یک ایده نوین باقی مانده است. ۱۱

به بهره برداریهای مالی می رسد. این دور باطل تنها باعث انتقال سرمایه های ملی کشورهای عقب نگه داشته شده به کشورهای سرمایه دار و نهایتاً انحطاط این کشورها و تحکیم استیلا و رجحان و برتری کشورهای سرمایه داری بزرگ بر عده ای کثیر از کشورهای فقیر را به همراه خواهد داشت. سوی این نظام، نظامهای دیگری نیز در جهان خود را به عرصه وجود آورده اند که از آن جمله نظام سوسیالیستی، نظام اسلامی و نظامهای ترکیبی می باشند. نظامهای ترکیبی که معمولاً الهام گرفته از اصول و مبانی سوسیالیسم و همراه پاره ای از مشخصات سرمایه داری می باشند، که اینگونه نظامها در کشورهایی که بعضاً حتی مدل رفاه نیز می باشند (از قبیل هلند، سوئد، نروژ و...) زمامداری امور را به عهده دارند. این نظامها با استفاده از فرمولهای نظام سوسیالیستی از جمله رفاه اجتماعی، بیمه های بیکاری، تامین اجتماعی و پرداخت سوبسید به اشکال مختلف توانسته اند به کشورهای مدل رفاه تبدیل شوند. اما روند تحولات جهانی و بین المللی که ناشی از نفوذ و دخالت سرمایه داری در بازار و روابط بین المللی است، این گونه کشورها را تدریجاً مجبور به تعویض خط می نماید و این گونه کشورها نیز در صورت ادامه این روند، در آینده می بایست به شکلی و به نوعی به دامن سرمایه داری متوسل گردند. نظامهای اسلامی نیز به دلیل عدم توانایی در تطبیق با مسائل و روابط روز و هم چنین عدم پویایی و پویندگی این نظامها و این حقیقت که در نظامهای اسلامی اصول گرا، رشد اقتصادی می توانند زیاد هم مطرح و مهم نباشد و ارزشهای معنوی دیگری در درجه اول اهمیت قرار دارند. قادر به حل مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جهان نبوده و نمی باشد و این گونه نظامها فقط با پخش شعار و آگراندیسمن مشکلات دیگر نظامها، سعی در ابقاء و القاء خود داشته و دارند و در عمل هیچ گره ای از گره های مردم را حل نکرده و نخواهد کرد. نظام دیگری که در جهان به صورت خیلی قوی و جدی مورد بررسی بوده و هست نظام سوسیالیستی است، نظامی که باید آن را از پایه شناخت و با سایر نظامها مقایسه کرد. البته در این مورد و جهت بررسی و مقایسه باید اصول و مبانی نظام سوسیالیستی را در تئوریهای آن و در عمل، تا زمان استالین که با تغییراتی در این نظام موجبات تغییر مسیر و انحراف کلی انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ را فراهم ساخت، مورد بررسی قرار داد. بخشی از این تغییرات شامل این موارد بود: متوقف کردن طرح نپ، افزایش بوروکراسی به حد سرسام آور، اشاعه این تفکر که همه چیز در جهان می باید در خدمت اتحاد شوروی باشد، و هم چنین فرمایشی شدن هر چه بیشتر شوراهای نمایندگان کارگران که نماینده کارگران و زحمتکشانی بودند که طبق اولین قانون اساسی شوروی تمامی قدرت متعلق به آنها بود، و اعلام تز نادرست عدم وجود طبقات در اتحاد شوروی آن زمان که باعث پایان یافتن وظیفه سوسیالیستی در رابطه با نابودی طبقات شد. همچنین این حقیقت که نظام جوان سوسیالیستی جهت مقابله با رقیب خود امپریالیسم اقدام به افزایش توان نظامی خود نمود و بر همین

جهان ما از آغاز مهماندار تضادهای گوناگون و ویرانگر بوده و خواهد بود. تضادهای فرعی و تضادهای اصلی. تضاد بین دارا و ندار، تضاد بین ظالم و مظلوم و تضاد بین توده ها و حکومتیهای غیر توده ای. این چنین جهانی که همواره آستان حوادث و مشکلات ناشی از این تضادهاست، بالاخره نیازمند یک سیستم کارآمد و ناجی می باشد که موفق به حل این تضادها شده و دنیا را از شر نابسامانیهای موجودش و نیز مشکلات آتی اش برهاند. این جهان پرتلاطم، متلاطم از مشکلات و ناهنجاریهای گوناگون، تاکنون سیستمها و رهبریهای گوناگونی را شاهد بوده و خواهد بود. ولی واقعاً و عملاً هیچ یک از این نظامها و سیستمها تاکنون موفق به حل نهایی تضادها و ایجاد امکاناتی در جهت جایگزین کردن هنجارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به جای مصائب و غیر ارزشها نشده است. از عمده ترین سیستمهای موجود که توانسته است خود را علیرغم میرا بودنش، به عنوان یک قطب در جهان مطرح و معرفی کند. نظام سرمایه داری بدون حد و مرز می باشد که رهبری آن در دست آمریکاست. نظام سرمایه داری اگر چه توانسته است در برخی از کشورهای مطبوع رفاهی نسبی و ظاهری برقرار کند. ولی با نیم نگاهی کوتاه به تاریخچه این نظام و عملکرد آن که در کشورهای مختلف، در می یابیم که این نظام به دلایلی گوناگون از جمله عدم توزیع عادلانه ثروت و انباشت سرمایه هر چه بیشتر نزد سرمایه داران موجب بروز مشکلات عمده در جوامع و اجتماعات شده است. از جمله این مشکلات رشد اعتیاد، فساد مالی، فحشاء، مصرف گرایی و لوکس گرایی و بالاخره استثمار طبقه کارگر که خود اسیر دست سرمایه دار و کارفرماست. را می توان ذکر کرد. در نظام سرمایه داری، سرمایه و ابزار و عوامل تولید در دست سرمایه دار و نیروی کار در اختیار کارگر است و همین کارگر می بایست نیروی کار خود را در بازارهای رقابتی به نازل ترین بها در اختیار کارفرما قرار دهد و این عمل و این چرخه تا آنجا ادامه دارد که روز به روز از قدرت طبقه کارگر کاسته شده و بر ثروت سرمایه دار و کارفرما اضافه می شود. در خارج از یک نظام اجتماعی و روابط داخل یک جامعه در سیستم سرمایه داری، نظام و روابط بین المللی قرار دارند، که در این قسمت هم سرمایه داری و کشورهای سرمایه داری به عنوان کارفرما و کشورهای عقب نگه داشته شده و به اصطلاح در حال توسعه به منزله طبقه کارگر مورد استثمار و استثمار قرار می گیرند. وجود شرکتهای چند ملیتی و سرمایه گذاریها و کمکهای خارجی این گونه کشورها شاهد این ماجراست. از سوی دیگر سرمایه داری که به هیچ چیز غیر از افزایش سرمایه و در پی آن بالا بردن توان نظامی جهت حفظ نظام فکر نمی کند، هر از چند گاهی و به سببهای گوناگون موجبات بروز جنگها و درگیریهای منطقه ای و داخلی در مناطق مختلف کره خاکی را فراهم می سازد و بعد از فروش اسلحه و امکانات مختلف و تحویل منافع کلان توسط زرادخانه ها، نوبت به برقراری آتش بس و صلح می رسد و متعاقب آن بازسازی که تماماً توسط نظام سرمایه داری و به دست این سیستم طراحی و اجرا شده و مجدداً نوبت

دیدگاهها

در میان نامه ها

کمیودی ملموس

برای ایرانیان مقیم خارج از کشور در برخورد با شورای ملی مقاومت به عنوان الترناتیو رژیم خمینی معمولاً این سؤال تداعی می شود که منظور از شورا همان مختصات الزام آور یک نظام شورایی است و یا این که احاطه نیروی اصلی ائتلاف یعنی سازمان مجاهدین خلق بر شورای ملی مقاومت است.

آقای ناظر در مقاله خود تحت نام کمیودها در شماره ۱۳۷ نبرد خلق با استفاده از ابزار ظریفی این سؤال را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. باید پذیرفت که تنها در سایه بحث و بررسی موضوعهای مرتبط با شورای ملی مقاومت می توان به پویایی و رشد آن کمک کرد. این موضوع که عملاً نیروهای شرکت کننده در ائتلاف، در اداره دفاتر مربوط به شورا و ریاست جمهوری نقشی ندارند یک واقعیت ملموس است. اما موضوع در این نکته نهفته است که اداره کنندگان این دو نهاد به جهت این که سالها از نظر تشکیلاتی به سازمان مجاهدین خلق وابسته بوده اند برایشان فاصله گیری از قانونمندیهای مناسبات گذشته که در آن رشد کرده اند و کار در نهادهایی که شکل سازمان خاص سیاسی را ندارد کمی سخت است که البته می بایست به آنها حق داد. نکته ای که نباید آن را از نظر دور داشت این است که نیروهای دیگر شرکت کننده در ائتلاف به ویژه سازمان چریکهای فدایی خلق می باید سعی کنند با برخورداری از رشدی کمی و کیفی نقشی را که باید به عنوان یک عضو ائتلاف داشته باشند، به عهده بگیرند. به عبارت دیگر تفکر شورایی و کار جمعی باید تا پایین ترین سطوح را شامل گردد که در غیر این صورت امکان بهره برداری حداکثر از توان نیروهای جامعه امکان پذیر نخواهد بود. می باید پذیرفت در صورتی که اصول و برنامه شورا برای آینده ایران از هم اکنون در تمامی سطوح انعکاس عملی نیابد، این ظرف جدید یعنی نظم شورایی قادر به بر گرفتن همه نیروهای جامعه نخواهد شد.

صادقانه بپذیریم که رفع این کمبود علاوه بر این که تسریع سرنگونی رژیم را به همراه دارد، گامی عملی در جهت برخوردی دموکراتیک با مقوله دموکراسی است.

تکرار درد بخشهایی از نامه یک زن

نگاه من به عنوان یک زن مورد ستم که در جامعه ایران زندگی می کردم و در حال حاضر در این جا هستم. آن قدر نگاه عمیق و ریشه ای نمی تواند باشد. هم چنین داشتن مطالعه کم مزیدی بر این علت می باشد. ولی به اعتقاد من هرکس باید از نقطه ای شروع کند و من از امروز و با قلم آغاز می کنم. درد و ستم زنان ایران را می خواهم بیان کنم. نقش اساسی زن طی سالها مبارزه از دوران مشروطه تا به امروز برای برابری و تساوی حقوق اجتماعی و... مسئله مهمی به شمار می آید. در حال حاضر ستم مضاعفی که برای زنان و دختران در ایران به کار می رود، بی شمار است. ما در ایران تحت

ستم خمینی، پدیده ای به نام زن رها شده از قید و بندهای سنتی اجتماعی و فرهنگی و هنری و سیاسی نداریم. اگر هم موجود باشد یعنی زنی داشته باشیم که احساس هویت و معنا یافتن را بکند، به قدری علیه او اقدام می شود و با وی برخوردهای غیر انسانی و غیر اصولی می کنند که خود گاهی احساس تهی شدن می کند و عوامل بازدارنده نمی گذارند که در فعل و انفعالات اجتماعی، فرهنگی، هنری و سیاسی فعال باشد. انگار که او قادر نیست در هیچ جای دیگر به جز چارچوب خانه فعال باشد. قوانین ارتجاعی تا مغز استخوان پوسیده و تجدید بنای فرهنگ منسوخ خودشان را هر چه وسیعتر و با بوق و کرنا رواج می دهند و بس. در شهرهای بزرگی مثل تهران بخش محدودی از زنان روشن و آگاه هم چنان در پیچ و تاب مبارزات فردی خود می باشند ولی متأسفانه بیشتر زنان در رکود فکری چنان فرو رفته اند که تا انتها منجمد شده اند که این رکود به یک دوره باطل تبدیل شده است. آنها نمی خواهند آگاه شدن بر حقوق خود را بیاموزند. هر چند که در این راه مشکلات فراوان است ولی حداقل توان و نیرو در این راستا، آگاهی یافتن به مسائل دور و بر خود می باشد. و این را باید واقف بود که هر زنی که جوهر و خمیرمایه اش تهی باشد و برای خود هیچ عشق و هدفی را دنبال نکند، بدیهی است که قادر نخواهد بود، دوست بدارد و ارزشها را درک کند چون خواهان این است که در جبر خویشتن زندانی باشد. اکنون پرورش دختران آینده در دست این گونه زنان، چه باری می تواند داشته باشد. مشخص است دخترانی با همان رکود فکری و منجمد شده است و این آغاز تکرار درد است.

به امید فردای روشنتر و آگاه تر برای زنان ایران زهرا، پناهجویی از هلند

انتشار "بانگ رهایی"

شماره صفر "بانگ رهایی" نشریه انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، به تاریخ مهر ۱۳۷۵ در پاریس انتشار یافت. برای دست اندرکاران این نشریه در افشای جنایتهای رژیم حاکم بر ایران آرزوی موفقیت می کنیم

بانگ رهائی

انتشار نخستین شماره از بانگ رهائی در پاریس - شماره ۱۳۷۵ - مهر ۱۳۷۵

مختصی با شما



مجموعه نشریه بانگ رهائی، پاریس - شماره ۱۳۷۵ - مهر ۱۳۷۵
 مدیر: دکتر سید محمد حسینی
 دبیر: دکتر سید محمد حسینی
 مشاور: دکتر سید محمد حسینی
 مترجم: دکتر سید محمد حسینی
 طراحی: دکتر سید محمد حسینی
 چاپ: دکتر سید محمد حسینی

دیدگاهها

با سلام و خسته نباشید

خبر ملاقات و دیدار رفیق مهرداد قادری را با آقای رامون مانتوانی از طریق نشریه نبرد خلق خواندم. ضمن سلام گرم و تبریک به رفیق مهرداد، امید آن دارم که سازمان به نتایج بهتر و امیدوارکننده دست یافته و در آینده نزدیک با احزاب و گروههای سیاسی و مبارز دیگر در سراسر دنیا ارتباط برقرار کرده تا هرچه زودتر به یک صلح جهانی و به جامعه ای سوسیالیستی با اهداف انقلابی خود دست یابیم. به عنوان یک خواننده نشریه بهترین خبر و امیدوار کننده ترین خبری بود که در نوع خود، خواندم و بسی خوشحال هم شدم. از این که حالا سازمان انقلابی با قدرتی شکست ناپذیر و با اعتقادی کامل و با تجربه ای فراوان از مبارزه و نبرد علیه ارتجاع و امپریالیسم، با احزاب چپ در دنیا خصوصاً با حزب احیاء کمونیستی کشور ایتالیا بر سر مواضع مشترک ارتباط برقرار می کند. تبریک گفته و آرزوی موفقیت برای سازمان، اعضا و کادر مرکزی و نمایندگان سازمان در کشورهای مختلف دارم. دریافت چنین خبری ما را در راه مبارزه علیه ارتجاع خمینی مصمم تر و راسخ تر می کند. و اشک شادی و امیدواری را بر چشمانمان می نشاند.

شهرام - استانبول

پاسخ به نامه ها

- آقای عبدالرحیم یزدانپناه از استرالیا، نامه شما را همراه با آدرس جدیدتان دریافت کردیم. متأسفانه ما در استرالیا قدرتی نداریم که شما به آن مراجعه کنید. شما می توانید ارتباطتان را با روابط عمومی سازمان در پاریس فعلاً حفظ کنید. نبردخلق به آدرس شما فرستاده خواهد شد.

- خانم ناهید زارع زاده از هلند، از ابراز لطف نسبت به دست اندرکاران نبردخلق سپاسگزاریم. پیشنهاد کرده اید که: "چون درک مقاله ها و گزارشهای نشریه برای نوجوانان مشکل است، برای تشویق و آگاه ساختن آنها از اپوزیسیونها و فعال کردن آنها برای مبارزه با جمهوری اسلامی و سایر جریانات ارتجاعی و ضد بشری، بخشی از نشریه را به داستانهای کوتاه از نویسندگان بزرگ، مثل صمد بهرنگی و دیگر نویسندگان یا شاعران اختصاص دهید. و یا این که از سروده های سیاسی و حتی از طنزهایی که انتقاد از حاکمیت ضد بشری می باشند به چاپ رساند."

ضمن تشکر از توجه شما، باید بگویم متأسفانه ما در برابر خشک خوانندگان و دستداران نشریه، با کمبود جا روبرو هستیم. بنابراین با این تعداد صفحه های نشریه پیشنهادات شما فعلاً عملی نیست. از طرفی ما در شرایط فعلی به دلیل عدم امکان مالی قادر به اضافه کردن تعداد صفحه های نبرد خلق نیستیم. امیدواریم در آینده با یاری همزمان و دستداران سازمان این مشکل را به نحوی حل کنیم.

- رفقای ارلینگتون (تگزاس) ۲۰۰ دلار کمک مالی شما رسید.
 - رفیق شیوا شجاعی از هلند ضمن تشکر ۱۰۰ دلار کمک مالی شما به سازمان دریافت شد.

- آقای منصور امیری، فرم درخواست شما برای اشتراک نشریه را دریافت کردیم. متأسفانه همراه با این فرم قید نکرده بودید که بهای اشتراک نشریه را چگونه پرداخته اید.

- آقای صادق محمدی از سوئد، نامه درخواست کمک به کیس پناهندگی شما را دریافت کردیم. تمایل شما به همکاری با سازمان باعث خوشحالی است. روابط عمومی سازمان با شما از طریق مکاتبه تماس خواهد گرفت.

اخبار

سرکوب، تروریسم و بنیادگرایی

تهاجم تروریستی رژیم آخوندی

علیه مجاهدین خلق ایران

روز سه شنبه ۲۲ آبان تروریستهای رژیم آخوندی یک خودروی متعلق به مجاهدین خلق را در نزدیکی شهر خالص (۱۰۰ کیلومتری شمال بغداد) با موشکهای RPG7 و مسلسل و نارنجک مورد تهاجم قرار دادند. در این تهاجم تروریستی خودروی مجاهدین آسیب دید و به یکی از سرنشینان جراحت خفیفی وارد آمد. این حمله رذیلانه که چهل و دومین عملیات تروریستی رژیم آخوندی علیه مقاومت ایران در خاک عراق از آغاز سال ۹۳ می باشد، توسط وزارت اطلاعات و دیپلمات تروریستهای رژیم در بغداد سازماندهی شده است. مسئول شورای ملی مقاومت ایران طی تلگرامی به دبیر کل ملل متحد و اعضای شورای امنیت خاطر نشان کرد: "سکوت و بی عملی جامعه بین المللی در قبال نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق بشر و صدور تروریسم توسط رژیم ملایان، این رژیم را در ادامه و گسترش این جنایات جری تر کرده است".

حمله تروریستی به یکی از مقرهای

حزب دموکرات کردستان ایران

رادیو صدای کردستان ایران در برنامه روز ۲۶/آبان خود گفت: "براساس خبری که از کمیته مرکزی شهرستان بانه به صدای کردستان ایران رسیده است، ساعت ۹/۳۰ شنبه ۱۹ آبان ماه ۷۵ چند مزدور رژیم آخوندی براساس یک توطئه از قبل طراحی شده، خود را به مقرهای حزب و کمپهای آوارگان کرد ایرانی ساکن تانجه رو در اطراف شهر سلیمانیه کردستان عراق، نزدیک ساختند و به سوی مقرهای حزب شلیک کردند. پیشمرگان حزب بلافاصله عکس العمل نشان دادند و در مدت کوتاهی این خودفروختگان را فراری دادند. با تاسف بسیار در نتیجه تیراندازی مزدوران رژیم ضد خلقی آخوندی، یک پیشمرگه حزب به نام حامد سلیمی به شدت زخمی گردید که پس از چند ساعت مقابله با مرگ، جانش را از دست داد".

اعدام دو تن از اعضای

حزب دموکرات کردستان ایران

رادیو صدای کردستان ایران در برنامه روز ۲۰/آبان اعلام کرد که: "روز ۴ و ۵ آبان متأسفانه دو تن از اعضای حزب در زندان ارومیه به نامهای حسن سلته و عمر سلته فرزندان مصطفی که برادر بودند، و اهل روستای حمزه آباد بالا در منطقه برینه پیرانشهر می باشند، اعدام شده اند. این دو نفر در سال ۱۳۷۴ از سوی رژیم ضد کرد جمهوری اسلامی دستگیر و روانه زندان ارومیه شدند".

اعدام با دار

روزنامه کیهان اعلام کرد که شش ایرانی، محکوم به قتل و سرفقت مسلحانه در تهران به دار آویخته شدند. محمدرضا گلپایگانی رئیس باند سارقین، متهم به قتل یک کارگر در تهران و پنج همدست او دیروز در زندان اوین به دار آویخته شده اند. از سال ۱۹۸۹ زندانیان محکوم به سرفقت مسلحانه مستوجب اشد مجازات یعنی مرگ می باشند.

خبرگزاری فرانسه ۲۲/آبان/۷۵

عبدالعزیز کاظمی پس از ربوده شدن به قتل رسید

سازمان مجلس اعلای اهل سنت ایران در اطلاعیه ای از ترور یکی از رهبران سنی در بلوچستان ایران به نام عبدالعزیز کاظمی وجد که استاد دانشگاه زاهدان بود خبر داده است. بنابرین اطلاعیه کاظمی روز ۲۲ آبان توسط مأموران جمهوری اسلامی ربوده شده و ۲ روز پس از آن جسدش که مورد اصابت دهها گلوله واقع شده بود در پانزده کیلومتری زاهدان در کنار جاده کشف شد. مجلس اعلای اهل سنت ترور کاظمی را به جمهوری اسلامی نسبت داده است.

رادیو پژواک سوئد ۲۵/آبان

اعدام غلامرضا وحیدجو

آژانس رسمی ایرنا امروز سه شنبه اعلام کرد مردی که متهم به ربودن یک هواپیمای ایرانی در ۱۲ سال پیش شده بود، به دار آویخته شد. غلامرضا وحیدجو روز چهارشنبه گذشته پس از محکومیتش به مرگ که توسط دادگاه انقلاب صادر شده بود و توسط دیوان عالی کشور نیز تأیید شده بود، اعدام شد.

خبرگزاری فرانسه ۲۲/آبان/۷۵

قتل یک کشیش دیگر

خبرنامه کلیسای انگلستان در شماره ۲۰ مهر امسال خبر کشته شدن کشیش محمدباقر یوسفی را به اطلاع عموم رسانده است. جسد این کشیش ۳۴ ساله در یک جنگل در اطراف ساری پیدا شد. رژیم ادعا کرده که کشیش محمدباقر یوسفی خودکشی کرده است. ولی "درهای باز" که یک سازمان فعال مسیحی است می گوید که شکی وجود ندارد که این کشیش به قتل رسیده است.

کشتار در الجزایر

خبرگزاری رویتر روز ۱۶/آبان اعلام کرد که: "بر اساس بیانیتهایی که توسط خبرگزاری الجزایر مخابره شد، بنیادگرایان الجزایر طی دو روز ۳۱ نفر را طی حمله ای در جنوب پایتخت الجزایر کشتند. این جنایت دومین کشتار جمعی طی سه روز گذشته بوده است. ۱۰ زن و یک کودک به طرز وحشیانه بی در یک اتاق سر بریده شدند".

شهردار الجزیره کشته شد

مقامات الجزایری گفتند شهردار الجزیره درگیری میان نیروهای دولتی و بنیادگرایان اسلامی در پایتخت کشته شد. به گفته ساکنان الجزیره که تلفنی با آنها تماس گرفته شد، شهردار توسط یک گلوله منحرف شده مورد اصابت قرار گرفته و جان خود را از دست داده است.

خبرگزاری رویتر ۳۰/مهر/۷۵

قتل عام یک خانواده در الجزایر

افراطیون اسلامی در در روستایی در ۱۰۰ کیلومتری جنوب الجزیره تمامی اعضای یک خانواده ۱۸ نفری را به قتل رساندند. طبق نوشته خبرگزاری فرانسه که از شهود عینی نقل کرده است، عاملین این جنایت فجیع سر قربانیان خود را بریدند.

رادیو فرانسه ۲۵/آبان/۷۵

اعتصاب غذای ۲۲۰ زندانی کرد

یک سازمان بشر دوستانه فاش کرد که در زندانهای ترکیه حدود ۲۲۰ زندانی کرد عضو یک کت. ک از ۴۰ روز پیش به عنوان اعتراض به شرایط نامساعد اسارت خویش دست به اعتصاب غذا زده اند.

رادیو فرانسه ۱۶/آبان/۷۵

هادی اسدی بازرگان ایرانی

در زیر شکنجه کشته شد

روز ۱۵ اکتبر جسد آقای هادی اسدی بازرگان ۴۵ ساله ایرانی توسط عوامل سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به همسرش در تهران تحویل داده شد. هادی اسدی از جمله بازرگانی بود که طی سالیهای اخیر با چند شرکت هلندی و آلمانی در زمینه واردات وسایل مخابراتی به ایران همکاری داشت. وی نه ماه پیش در محل دفتر شرکت خود واقع در خیابان عباس آباد تهران دستگیر و روانه زندان شده بود. عوامل سرکوبگر رژیم در زندان اوین از وی خواسته بودند که در مورد ثروت خود توضیح دهد که از کجا آورده است. پس از دو ماه شکنجه های جسمی و روحی، رژیم موفق به دریافت ۴۰۰ هزار دلار از او می شود. هادی اسدی طی سه ماه اخیر سه بار اقدام به خودکشی کرده بود. او دوبار رگ دست خود را در زندان زد و بار سوم هنگامی که عوامل رژیم ترتیب ملاقات با خانواده اش در محل دفتر کارش در خیابان عباس آباد را داده بودند، او خود را از طبقه سوم به پایین پرتاب نمود که هر دو پای وی شکست و به بیمارستان زندان اوین انتقال یافت. این اقدام هادی اسدی در پرونده اش به عنوان اقدام به فرار ثبت گردید. او طی پیامی به خارج از زندان گفته بود که دادستانی رژیم "آزادی من را در گرو پرداخت ۱ میلیون دلار" دانسته است. او در همین پیام گفته بود که "اگر کشته هم شوم دیگر یک دلار به اینها نخواهم داد و ثروت من به خانواده ام تعلق می گیرد". روز ۱۴ اکتبر عوامل سرکوبگر رژیم در زندان اوین تلفنی به همسرش اطلاع می دهند که فردا صبح می تواند جهت ملاقات با شوهرش به زندان مراجعه کند. روز ۱۵ اکتبر در زندان اوین به همسرش گفته می شود که او در اثر سکت قلبی درگذشته است. عصر روز ۱۵ اکتبر جسد او تحویل خانواده اش داده می شود. بستگان، دوستان و خانواده وی پس از مشاهده جسد پی می برند که علت مرگ سکت نبوده و در اثر شکنجه جان خود را از دست داده است. آنها وقتی پاندهای بسته شده به سر هادی اسدی را باز می کنند مشاهده می کنند که از بینی وی خون فراوانی آمده و از پشت سر به دو ناحیه سر او ضربات محکمی وارد شده است. این جنایت دارودسته جنایتکار خامنه ای - رفسنجانی، موجی از تنفر و انزجار در فیان مردم محل کار و زندگی او ایجاد کرده است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، ضمن تسلیت به خانواده، دوستان و بستگان آقای هادی اسدی، این اقدام جنایتکارانه رژیم آخوندی را محکوم می کند. ما از مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر و از آقای کاپیتورن گزارشگر ویژه ملل متحد خواستار اقدام عاجل برای جلوگیری از اینگونه عملیات جنایتکارانه رژیم ایران هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۷/ آبان ۷۵ - ۷/ اکتبر ۹۶

۲۰۰ سال محکومیت زندان

دادگاه عالی آفریقای جنوبی یک شکنجه گر و قاتل بد نام رژیم سابق آپارتاید را به ۲۰۰ سال زندان محکوم کرد. سرهنگ اوژن دیکاک در سالهای ۱۹۸۰ مسئول سرویسهای مخفی بود و عامل قتل بسیاری از مبارزان ضد نژادپرستی در آفریقای جنوبی شناخته می شود.

خبرگزاری رویتر ۹/آبان/۷۵

پناهندگان

بقیه از صفحه ۱۶

کنفرانس ۹۶

کنفرانس ملی حزب کارگران جهان در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۳ و ۲۴ نوامبر در نیویورک برگزار می شود. در این کنفرانس پیرامون مبارزه علیه راسیسم، سازمانهای جوانان، امپریالیسم و سیاستهای میلیتاریستی، زنان و مبارزه آنان در دهه ۹۰، جنبش کارگری، حمایت از قانون مهاجرت، مقابله با سرکوب هجنس گرایان، تأمین اجتماعی و قوانین کار، دفاع از کوبا، آفریقا در مسیر آزادی، کارل مارکس و مانیفست کمونیستی، ساختن یک حزب سوسیالیست انقلابی در آمریکا، نقش سوسیالیستها در انتخابات کاپیتالیستی، دفاع از مایایا بوجمال و تمام زندانیان سیاسی، بحث و تبادل نظر خواهد شد.

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۶
۱۹ و ۲۰ / ۱۳۵۷/۹ - راهپیمایی مردم ایران در روزهای تاسوعا و عاشورا
۲۹ / ۱۳۵۷/۹ - تحمن استادان دانشگاه تهران
۱۱ / ۱۳۵۸/۹ - قانون اساسی مصوب مجلس خیرگان رژیم جمهوری اسلامی به همه پرسی گذاشته شد.
۲۸ / ۱۳۶۰/۹ - شهادت انقلابی بزرگ رفیق شکرالله پاک نژاد
۹ / ۱۳۶۱/۹ - اعدام انقلابی یکی از سران رژیم خمینی. آخوند دستغیب به وسیله مجاهدین خلق ایران
۴ / ۱۳۶۳/۹ - اعتصاب موفقیت آمیز ۲۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان کارخانه ذوب آهن
۱ / ۱۳۶۴/۹ - درگذشت دکتر غلامحسین ساعدی، نویسنده و نمایش نامه نویسنده بزرگ ایران
۲ / ۱۳۶۴/۹ - مجلس خیرگان رژیم، آیت الله منتظری را به عنوان "قائم مقام رهبری" انتخاب کرد. در سال ۱۳۶۷ خمینی در شرایطی که بحران رژیم تشدید شده بود، وی را عزل کرد.
۲۲ نوامبر تا ۲۱ دسامبر
۲۹ نوامبر برابر با ۸ آذر - روز جهانی همبستگی با مبارزه خلق فلسطین
۲۲ نوامبر ۱۸۶۹ - تولد اندرئو ژید نویسنده بزرگ فرانسوی. وی در سال ۱۹۴۸ جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد.
۱۰ دسامبر ۱۸۹۶ - آلفرد نوبل شیمیادان سوئدی و مخترع نیتروگلیسرین (دینامیت) در سن ۶۳ سالگی درگذشت
وی هنگام مرگ کلیه ثروت خود را وقف جوآزی کرد که به نام خود او به "جوآزی نوبل" معروف است.
۲۲ نوامبر ۱۹۱۶ - "جک لندن" نویسنده بزرگ آمریکایی در سن ۴۰ سالگی درگذشت.
۲۸ نوامبر ۱۹۴۳ - تشکیل کنفرانس تهران با شرکت سران شوروی، آمریکا و انگلیس
۲۹ نوامبر ۱۹۴۴ - سالروز آزادی آلبانی از اشغال نیروهای فاشیست ایتالیایی
۳۰ نوامبر ۱۹۴۵ - تشکیل فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان
۹ دسامبر ۱۹۴۵ - تصویب منشور حقوق سندیکایی زحمتکشان به وسیله شورای عمومی "فدراسیون سندیکایی جهان"
اول دسامبر ۱۹۴۸ - تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد. این اعلامیه در ۱۶ ماده تدوین شده است و حقوق و آزادی انسانها را صرف نظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان، ملیت، مذهب، عقیده سیاسی، ثروت و یا هر موقعیت دیگر، مورد تأیید قرار می دهد.
۲۲ نوامبر ۱۹۵۰ - بنیانگذاری شورای جهانی صلح در ورشو
۲۸ نوامبر ۱۹۵۴ - درگذشت اتریکوفسکی، فیزیکدان و ریاضی دان نامآورد ایتالیایی در سن ۵۳ سالگی. وی کاشف عناصر رادیواکتیو بود.
۲۱ دسامبر ۱۹۶۴ - بنیانگذاری سازمان آزادیبخش فلسطین. □

سه پناهجوی ایرانی دست به خودکشی زدند

در مدت چهار روز، سه پناهجوی ایرانی از ترس و ناامیدی به دلیل پس فرستاده شدن به ایران دست به خودکشی زدند. روزنامه تراو چاپ هلند در ۱۷ آبان ضمن اعلام این خبر نوشت که در شهر نیمبخن کمیونوش طهماسبی روز جمعه گذشته با یک تکه آئینه گردن خود را مجروح ساخته است. این عمل را وی زمانی انجام داده که پلیس همسر و پسر چهار ساله او را از پس فرستادن او به ایران مطلع کرده بود. علیرغم مقاومت شدید و خونریزی کسانوش، وی به فرودگاه روانه و به ایران پس فرستاده شد. پناهجوی دیگر ایرانی به نام صادق بیات در کمپ خروس بیگ بعد از آن که از پس فرستادنش به ایران مطلع شده است، به اطاق خود رفته و تمام قرصهایی که در اطاق موجود بوده را خورده است و بدین وسیله دست به خودکشی زده است. هم کپهای او وی را در محل اقامتش پیدا کرده اند. وی بعد از ۱۴ ساعت به هوش آمده است. در مرکز کمپ پناهجویی لیبرسم نیز ایرانی دیگری با همین روش خودکشی کرده است. وی در این کمپ مدت ۲۸ ماه منتظر جواب درخواست پناهندگی خود بسر می برد.

ترکیه -

حمله پلیس به پناهندگان در ترکیه

پلیس ایرانیهایی که در اعتصاب غذا بودند را با زور به بیمارستان برد. آسوشیتدپرس ۱۸/آبان اعلام کرد که پلیس ۱۵ ایرانی متقاضی پناهندگی را در ۴۷ مین روز اعتصابشان، با آمبولانس برای رسیدگی به وضعیتشان به بیمارستان برد. این ایرانیها که سه زن نیز در میان آنها بودند، از مرکز سازمان حقوق بشر که درخواست پناهندگی کرده بودند، بیرون کشیده شدند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی بیانه بی در ۱۰ آبان حمله پلیس ترکیه به پناهجویان متحصن ایرانی، که در اعتصاب غذا بسر می برند را محکوم کرد. همچنین دبیرخانه شورای ملی مقاومت اعلام می دارد که: شورا ضمن حمایت از پناهجویان ایرانی در ترکیه و ابراز همدردی با اعتصاب غذای آنان و با یادآوری خطراتی که به لحاظ سلامتی و امنیتی متوجه آنان است، از همه جوامع بین المللی مدافع حقوق بشر و به ویژه کمیساریای عالی پناهندگان می خواهد تا هر چه سریعتر امکان انتقال این پناهجویان به کشورهایی که به کنوانسیون ژنو پایبندند را فراهم نماید.

سوئد -

خودکشی یک پناهجو

یک ایرانی ۲۹ ساله که ۹ سال در سوئد بوده و از طرف کمیته امور مهاجرین تهدید به اخراج شده بود خودکشی کرده است و مرده است. تلویزیون کانال یک سوئد در برنامه ۱۷/آبان خود ضمن اعلام این خب گفت: ۱۰ سال است که یک پناهنده ایرانی در این کشور زندگی کرده که حالا بعد از ۱۰ سال حکم اخراجش را دریافت کرده است. او که خودش را مخفی کرده بر اثر مشکل روحی دست به خودکشی زد و جانش را از دست داد. او با خوردن ۲۰۰ قرص سردرد به زندگی خاتمه داد. همچنین او در نامه ای به وکیلش نوشته: "این چیز مخفی نیست که اتفاقی در این چنین کشورها با انسانها چون من می افتد انسان یا باید ناپدید شود و یا در زندان بماند تا بپوسد. من هیچ امیدی ندارم، و زندگی ام هیچ معنایی ندارد." □

NABARD - E - KHALGH

Organ of the
Organization of Iranian People's Fedaiian Guerillas
Executive Editor: Zinat Mirhashemi
Published by :
NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 138 21. Nov. 1996

NABARD
P.O Box 10400
London N7 7HX
ENGLAND

HOVIAT
P.O Box , 1722
Chantilly, VA
20153-1722 U.S.A

NABARD
Post fach 102001
50460 Koln
GERMANY

NABARD
Casella Postale 307
65100 Pescara
ITALIA

NABARD
P.O . Box 56525
shermanoaks, CA
91413 U.S.A

NABARD
P.O . Box 15 Toronto
ont . M 5 S 2SG
CANADA

Fax: 1- 714 - 2629344 U.S.A

نبرد خلق بر روی اینترنت

http://venere.tercom.it/fedaian

آدرس پست الکترونیکی نبرد خلق

E. Mail : Nabard@wanadoo.fr

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول : زینت میرهاشمی

چاپ : انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبردخلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE

فرم اشتراک نبرد خلق

Name :

Address :

بهای اشتراک سالانه نبردخلق

اروپا ۷۵ فرانک فرانسه

آمریکا و کانادا ۱۸ دلار آمریکا

تک شماره ۷ فرانک فرانسه

حساب بانکی سازمان

نام بانک : SOCIETE GENERAL

آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEIN

FRANCE

کد گیشه 03760

شماره حساب : 00050097851

نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

پناهندگان

هلند -

گزارش از جعفر پویه
ایران نا امن تر از آن است که دنهاخ ادعا می کند
این سر تیتز درشت مقاله روزنامه Algemeen dagblad مورخ ۹ نوامبر است. بنابراین گزارش از قول یک وکیل ایرانی شرایط عمومی حقوق بشر در ایران بدان شکلی که وزارت امور خارجه ادعا می کند، نیست. یک وکیل ایرانی می گوید هیچ چیزی در ایران بر مدار قانون نبوده و برگرداندن پناهجویان، آنها را در خطر جدی قرار می دهد.

بنا بر گزارش این روزنامه یک پناهجوی اخراجی از هلند هنگام ورود به فرودگاه مهرآباد دستگیر و مدت ۱۰ روز تحت شکنجه قرار گرفته است. این موضوع مخالف ماده ۳ پیمان اروپا در خصوص حقوق بشر است که می گوید، هیچکس نباید تحت شکنجه و بدرفتاری قرار بگیرد.

گزارش با اشاره به نظر آقای احمد پوری از سازمان PRIME مبنی بر این که اخراج ایرانیها معمولاً با خشونت همراه است می گوید ظرف هفته گذشته ۳ ایرانی از ترس برگشت به ایران دست به خودکشی زده اند.

اعتراض نسبت به اخراج پناهجویان

در تاریخ ۱۲ نوامبر جمعی از پناهجویان ایرانی مقیم هلند در جلوی ساختمان دادگاه شهر دینوش تجمع نموده تا نسبت به اخراج ایرانیها اعتراض نمایند. در این روز دادگاه می بایست به اجازه اقامت امیر مظلوم برهان پناهجوی ایرانی که بیش از ۴ ماه در اعتراض به صدور حکم اخراج خود، در اعتصاب غذا و در زندان بسر می برد، رسیدگی می کرد. هم زمان پناهجویان یک صدا به امن بودن ایران و رویه دادگستری اعتراض نمودند. دادگاه اعلام داشت ظرف هفته های آینده نظر قطعی خود را اعلام می دارد.

انتشار مجدد نشریه امید

نشریه امید ویژه پناهندگان به همت مسئول بخش فارسی آن مجدداً انتشار یافت. بنابر اطلاعیه صادره از سوی هیئت تحریریه بخش فارسی، این نشریه به جهت اختلافات داخلی و دخالت افراد بی مسئولیت در امور آن مدتها مدتها با وقفه انتشار روبرو گشت که نهایتاً شهریور ماه امسال شماره ۱۶ آن مجدداً منتشر گشت. نشریه امید که یکی از تخصصی ترین نشریات در زمینه پناهندگی است مشتمل بر اخبار و تحلیل وقایع و امور پناهندگان، هنری فرهنگی می باشد.

اعتراض به راسیستها در هلند

هفته گذشته جامعه هلند به فعالیتهای احزاب نئونازیست و راسیستهای افراطی اعتراض نمود. بنا به گزارش Trouw چهاردهم نوامبر پلیس یکی از رهبران جمعیت راسیستی و ضد پناهندگی هاند (NVU) را دستگیر نمود. وی در سخنرانیهای خود خواستار زندانی شدن تمامی خارجیهای مقیم هلند و جمع شدن آنها در اردوگاههای کار اجباری به سبک آلمان نازی میباشد. آنها هم چنین یک نماینده پارلمان از حزب سبزه‌های چپ و یک خبرنگار را که خواهان دستگیری تمامی راسیستهای افراطی بود، را تهدید کرده اند. پلیس پس از بازجویی و تشکیل پرونده وی را آزاد نمود. اما اقدام پلیس در دستگیری وی و برخورد جدی با این موضوع مورد رضایت احزاب پارلمان به ویژه سبزه‌های چپ قرار گرفت.

بقیه در صفحه ۱۵

اخبار کارگری -

ایران -

تعدادی از کارگران واحدهای مختلف تولیدی در استان بوشهر، با امضای طوماری با بخشنامه وزارت کار مبنی بر استخدام قراردادی کارگران مخالفت کرده اند. این عده می گویند: بخشنامه وزارت کار، امنیت و ثبات شغلی کارگران را با خطر مواجه کرده و دست کارفرمایان را برای هرگونه تصمیم گیری دلخواه در مورد کارگران باز گذاشته است.

روزنامه ایران ۲۰/آبان/۷۵

آلمان -

روز ۲۴ اکتبر امسال، چند صد هزار نفر از کارگران آلمان در اعتراض به کاهش حق بیماری دست به اعتصاب زدند و اتحادیه کارفرمایان را مجبور به مذاکره بر سر این طرح نمودند.

کانادا -

بیش از ۲۵۰ هزار نفر از کارگران کانادا روز ۲۵ اکتبر امسال، دست به یک تظاهرات عظیم در تورنتو زدند. این تظاهرات به دنبال اعتصاب کارگران ایالت آنتاریو، صورت گرفت. این اعتصاب و تظاهرات در اعتراض به سیاست دولت آنتاریو برای کاهش خدمات بهداشتی و نیز بیکار سازی کارگران صورت گرفت.

اطلاعیه

آخوندهای جنایتکار فدایی خلق علی مولایی، از فعالین سازمان اقلیت را در پاکستان ترور کردند. فدایی شهید علی مولایی مدت ۵ سال از زندگی خود را در زندانهای رژیم گذرانده بود. وی پس از آزادی به پاکستان آمد و برای اخذ پناهندگی سیاسی به کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد خود را معرفی کرده بود. طی هفته گذشته رژیم جمهوری اسلامی، دست به یک سلسله عملیات اتم ربایی نیز زده است. دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران روز ۱۰ آبان امسال خبر دستگیری و استرداد ۷ تن از مبارزین این حزب به جمهوری اسلامی را به اطلاع عموم رساند. بر اساس این اطلاعیه "یک گروه هفت نفری از کادرها و پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران" در نزدیکی شهر حلبچه در کردستان عراق توسط "جنش اسلامی کردستان عراق" در ۲۸ مهر ماه سال جاری دستگیر و پس از چند روز تحویل رژیم جنایتکار آخوندی داده می شوند. هم چنین سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) خبر ربوده شدن یکی از هواداران این سازمان در پاکستان به نام رضا افشار "توسط عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی" را به اطلاع عموم رسانده است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این اقدامات تروریستی رژیم حاکم بر ایران، شهادت رفیق فدایی علی مولایی را به خانواده و دوستان او تسلیت می گوید. ما از تمام مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر خواستار اقدامات جدی برای نجات جان کسانی که توسط رژیم جمهوری اسلامی ربوده شده اند، هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۱۶/ آبان/ ۷۵

یک سال از ایجاد رادیو ارس گذشت

روز ۱۱ نوامبر ۹۵، رادیو ارس اولین برنامه خود را پخش نمود. رادیو ارس طی یک سال گذشته مورد توجه ایرانیان مقیم و تکویر کانادا قرار گرفته است و ۵۰ برنامه ارائه داده است. سالگرد ایجاد رادیو ارس را به گرداندگان و کارکنان این رادیو تبریک می گوئیم.

در برابر تندر می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند



شهادت فدایی آذر ماه

رفقای فدایی: همایون پریزاده - قری حسنی - رحمت طالب نژاد - اسدالله بشردوست - پرویز نصیر مسلم - ابوالقاسم نیکچه همدانی - علیرضا بهارپیور - علی عبدالملکی زاده - محمدرضا شهناز - غلامرضا کاروردیان چایچی - حمیدرضا سمادی - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزنیا - حسین تدریسی - فرهود روانی - محسن مدیر شانه چی - فریدون شافعی - زهرا آقایی قلهکی - علیرضا شهاب رضوی - ماهرخ فیال - مینا رفیعی - محمدعلی پایدار - مسعود صارمی - جلال دهقان - رحیم تشکری - حسن زکی زاده به دست دژخیمان رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

۲۰ نوامبر ۱۹۹۶

روز جهانی پیکار با لیبرالیسم نو

در ماه ژوئیه امسال، به ابتکار زاپاتیستها کنفرانسی در "رنالیدا" در جنوب شرقی مکزیک برگزار شد. این کنفرانس ایجاد انترناسیونال جدیدی با شعار "دموکراسی، عدالت، آزادی" را اعلام کرد. در دومین اطلاعیه این گروههایی روز ۲۰ نوامبر به عنوان "روز جهانی پیکار با لیبرالیسم" اعلام شد.

برخی از رویدادهای تاریخی آذر ماه

داخلی:

۱۲۵۹/۹/۲۹ - تولد حیدرخان عمواغلی از رهبران حزب کمونیست ایران
۱۲۸۵/۹/۲۴ - کودتای محمد علی شاه
۱۳۰۰/۹/۱۱ - شهادت میرزا کوچک خان، رهبر جنبش انقلابی مردم گیلان به دست عمال رژیم رضا شاه
۱۳۲۱/۹/۵ - درگذشت محمدعلی فروغی، نویسنده و سیاستمدار ایران
۱۳۲۳/۹/۲۹ - حمله چاقوکشان حزب وطن به کارگران شهر شاهی و مجروح کردن تعداد زیادی از کارگران
۱۳۲۴/۹/۲۶ - خلع سلاح شهربانی مهاباد و اعلام تشکیل سپاه ملی برای جمهوری خودمختار کردستان ایران (روز پیشمرگ کردستان)
۱۳۲۵/۹/۲۱ - یورش وحشیانه رژیم محمدرضا شاه به آذربایجان و شکست حکومت یک ساله خودمختار آذربایجان ایران
۱۳۳۲/۹/۱۶ - شهادت سه دانشجوی قهرمان دانشگاه تهران، رضوی، قندچی و بزرگ نیا به دست مزدوران رژیم محمدرضا شاه "روز دانشجو"
۱۳۵۳/۹/۲۹ - لشکرکشی به قطار و ایفای نقش ژاندارم امپریالیسم در منطقه توسط رژیم محمدرضا شاه
۱۳۵۷/۹/۲۰ - تعرض انقلابی تنی چند از پرسنل ارتش به سران مزدور ارتش در پادگان لویزان. در این عملیات قهرمانانه گروهیان دوم اسماعیل سلامتبخش و سرباز وظیفه نصرالدین امیدی عابد به شهادت رسیدند.
بقیه در صفحه ۱۵